



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۸۰
پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۸ محرم ۱۴۰۱ ، بها : ۱۵ ریال

ستم به خلق عراق ، تجاوز به خلق ایران : دوروی یکسکه

زمانیکه لشکریان رژیم جنایتکار صدام حسین از مرز ایران عبور کردند و آبهای اروندرود را با خون فرزندان دلیر انقلاب ایران، گلگون ساختند، خرمشهر را به خونین شهر بدل کردند و در خاک گردستان، جویهای خون براه انداختند، در درون عراق نیز مدتها از یوزش سفاکانه شکنجه گران «امن» به مردم مبارز عراق و کشتار جمعی منین

دوستان و آزادیخواهان عراق می گذشت. هنگامیکه صدام حسین با یاری مزدوران ایرانی خویش، یکی پس از دیگری و از همان روزهای پیروزی

در دفاع از آزادی، به دام لیبرال هانیفتیم

اسلامی ایران قرار بگیرد، به میدان آمدن لیبرالها با تمام زرادخانه، بمثابة نمایندگان سیاسی و فکری سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری و طرفداران

در دوران دشواری که رژیم جنایتکار صدام به اشباره و حمایت امپریالیسم جهانی، بسر کردگی آمریکا، بکشور ما حمله کرده و انواع مشکلات موروث رژیم مغفور طاغوت و مولود خرابکاری ضد-انقلاب و جنگ تحمیلی دامنگیر مین ما شده و انقلاب و نظام انقلابی ما در خطر قرار گرفته، در چنین اوضاع و احوالی که هر ایرانی واقعا انقلابی و مین دوست باید مسائل فرعی را کنار بگذارد و یکدل و یکجان در صف دفاع از انقلاب جمهوری

سازش با امپریالیسم و بازگشت به قفس اسارت خلق، امر غیرمنتظره ای نبود. ولی غیرمنتظره و تاسف آوراست اگر گروهها، نیروها و افرادی که بر حسب زادگاه اجتماعی و سوابق مبارزاتی و سرشت مردمی خود اصولا باید در سنکر خلق باشند، در این گرد و خاک «ایوای آزادی» راه را کم کنند و یقوت چشم باز کنند و خود را در کنار لیبرالها ببینند. و بر مراتب تاسف آورتری خواهد بود بقیه در صفحه ۷

نبره های انقلاب ضربات شکننده ای بر دشمن متجاوز وارد آوردند

مزدوران صدام تا چندین کیلومتری حاشیه جاده آبادان - ماه شهر عقب نشینی کردند. در عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، مخازن پترویل هوابیمای دشمن با ظرفیت ۱ میلیون بشکه به آتش کشیده شد.

واکن حامل مهمات و ۹ مخزن پترویل هوابیمای به ظرفیت بیش از یک میلیون بشکه همراه با تلمبه خانه های مربوطه، انبارهای تدارکاتی پایگاه و تعدادی هوابیمای نظامی که در روی باند پارک شده بود بکلی منهدم شد. به یکی از پادگانهای غرب سلیانیه نیز حمله شد، و انبار حمله به پایگاه کرکوک، تعدادی

خودروهای نظامی و ماشین آلات سنگین راه سازی نظامی و ساختمان های نظامی دشمن منهدم و تخریب شد. در حمله به پادگان صلاح الدین در شمال شرقی اربیل یک چادر بزرگ که در داخل آن هلی کوپترهای عراقی استوار شده بود منهدم شد. در حمله به پایگاه کرکوک، تعدادی

رزمندگان مدافع جمهوری اسلامی ایران نبرد بی آمان خود علیه مزدوران صدام را در تمام جبهه ها ادامه می دهند. در همین زمینه، صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش داد، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای فعالیت های خلبانان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را به این شرح اعلام کرده است:

الف: عملیات بیرون مرزی
در حمله به تاسیسات فرودگاه «سرسین» در شمال عراق نیمی از تاسیسات و تعداد زیادی از

تحکیم مبانی همکاری ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری به استحکام بین المللی ایران کمک می کند

دشمن عمومی خود تشریک مساعی کنند. باید گفت که پیونده کشورهای عضو «جبهه پایداری»، با سایر امپریالیسم و صیونیسم پیروی میکنند و آماده اند دیگر کشورهای راه، که مبارزه علیه همان دشمنان مشغولند، مورد پشتیبانی قرار دهند. اعضای «جبهه پایداری» همچنین بتجوی مستمر علیه سیاست تسلیم آمیز سادات و خوش رقصی وی در برابر واشنگتن و تل آویو اقدام می کنند، زیرا چنین روشی باعث میشود که امپریالیسم امریکا

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مجلس سوریه گفت:

این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است

محمود حدید، رئیس مجلس سوریه: ملت و دولت سوریه همیشه در کنار انقلاب اسلامی ایران خواهند بود

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در دیدار خود از سوریه، در مجلس این کشور حضور یافت و در جلسه علنی مجلس، مواضع جمهوری اسلامی ایران را برای نمایندگان تشریح کرد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، از جمله گفت: «متاسف در این شرایط که لازم بود. در چنین جلسهای درباره میزان کیفیات جنگ با اسرائیل و آمریکا بحث کنیم مقداری از وقت خود را مصرف جنگ میان دو کشور اسلامی کنیم. وی سپس به تشریح عوامل بروز جنگ عراق با ایران پرداخت و گفت: «چرا صدام این جنگ را با شاه شروع نکرد؟ مگر شاه معدوم چه چیزی

اطلاعیه سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان:

سازمان جاسوسی ضیاء الحق، پزشک پاکستانی را که برای کمک به مصدومان جنگ به ایران می آمدند دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد

آیا جز این است که حکومت آمریکائی ضیاء الحق بطور غیر مستقیم، بدستور ارباب جنایتکارش کارتر به یاری صدام شتافته است؟

دولت پاکستان ۵ پزشک پاکستانی را که برای کمک به مصدومین جنگ به ایران می آمدند، دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد. این ۵ پزشک هنگامی که با

نیکاراگوئه مستقل و آزاد

مصاحبه ای با توماس بورخه مارتینز، وزیر کشور نیکاراگوئه و عضو «رهبری ملی جبهه ساندینیست برای آزادی ملی»

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می کنند! روستای کاجان در نزدیکی تهران

در صفحات بعد

«پرسش و پاسخ» نورالدین کیانوری بررسی مسائل مهر روز

جنگ ایران و عراق جنگ با امپریالیسم جهانی است

نظریات آیت الله دکتر بهشتی در مورد راه های مقابله با توطئه های دیگر امپریالیسم آمریکا دولت باید با استفاده از کارشناسان دلسوز برنامه های دراز مدت انقلابی به مورد اجرا گذارد.

آیت الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور دیروز در یک مساحه مطبوعاتی ضمن اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران تاکید کرد که: «این جنگ، جنگ با امپریالیسم جهانی است». وی همچنین در مورد چگونگی مقابله در برابر

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دولت ژاپن: دوست آمریکا در منطقه خلیج فارس

پس از آغاز جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت کارتر، به بهانه آنکه عبور آزاد کشتی‌های بین‌المللی از تنگه هرمز در خطر است، کشورهای غربی، از جمله ژاپن، را فرا خواند تا مشترکاً ناوگان برای تأمین آزادی کشتی‌رانی به منطقه خلیج فارس گسیل دارند.

علیرغم این واقعیت که دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از شروع جنگ اعلام داشته بود، که قصد بستن تنگه هرمز را ندارد، دولت آمریکا بدین ترتیب میخواست که، از یکسو، بر تمرکز بی‌سابقه نیروهای دریایی خود در خلیج فارس دوباره بیافزاید و، از سوی دیگر، همقطران امپریالیستی خویش را نیز بیش از پیش در ماجراجویی‌های خود در منطقه شرکت دهد. دولت ژاپن در برابر اعتراض برخی از نمایندگان «دیت» (پارلمان ژاپن)، مبنی بر مغایرت شرکت ژاپن در این «ناوگان بین‌المللی» با قانون اساسی آن کشور، از زبان مدیر «دایره آمریکای شمالی» وزارت خارجه ژاپن، در پارلمان اعلام داشت: «شرکت ژاپن در تأمین مالی ناوگان بین‌المللی با قانون اساسی ما مبیاحتی ندارد» (۳۰ مه ۱۳۵۹). یكروز پیش از آن، مدیرکل «دایره دفاع» اعلام کرده بود:

«برای نیروهای دفاع از خود ژاپن» دفاع از آبراه‌های دور چندان آسان نیست. لیکن ما این موضوع را از جهات گوناگون بررسی میکنیم. از جمله باید همکاری با کشورهای دوست و شرکت در هزینه‌های آنها را در نظر داشت. روزنامه «آکاهاتا»، (ارگان حزب کمونیست ژاپن)، با اشاره به گفته‌های بالا، در سرمقاله‌ای (۲ آبان ۱۳۵۹) زیر عنوان «تجدیدنظر نامحدود در قانون اساسی از طریق سوء تعبیر» نوشت: «ما هیچگاه نمیتوانیم چنین اظهاراتی را ناپدید بگیریم. حتی خود دولت لیبرال دمکرات هم تاکنون ادعا نداشت که مفاد قانون اساسی، «دفاع» از مناطق دوردست را نیز دربر میگیرد. چنین ادعایی حتی از حدود «قرارداد امنیت ژاپن - ایالات متحده» هم متجاوز است. «آکاهاتا» هشدار داد که ظاهراً دولت قصد دارد با این سوء تعبیرها «مقدمات تجدیدنظر در قانون اساسی و «قرارداد امنیت» را فراهم آورد». در این زمان که امپریالیسم آمریکا بخشی از توطئه براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران را از راه حضور نظامی خود و متحدینش در خلیج فارس و آب‌های نزدیک به آن به‌انجام میرساند، موضع گیری کمونیست‌های ژاپنی حمایتی است از نبرد مردم ایران و از انقلاب ما، که درگیر جنگ تحمیلی امپریالیستی آمریکا - صدام است.

ستم به...

بقیه از صفحه ۱

ها و سفاکیهای مزدوران صدامی به مقاومت و اعتراض برخاسته بودند، صدام حسین و گروه‌های خونخوارش، پیش از ویران کردن خانه و کاشانه مردم کشور ما، خنزه و کاشانه کردهای عراق را بر سرشان ویران ساخته بودند و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراق را روانه زندانها و شکنجه‌گاهها و میدان‌های اعدام کرده بودند.

سیاست داخلی یک رژیم با سیاست خارجی آن ارتباط دایره‌ای دارد. رژیم محمدرضای منقرضین در دوران اوج قدرت خویش، زمانی به ژاندارم منطقه پسدل گردید و لشکرین جنایتکار خویش را برای سرکوب میهن‌دوستان و آزادیخواهان ظفار به کمک قابوس فرستاد، که در داخل و علیه مردم رنج‌دیده ایران، وحشیانه‌ترین و نفس‌گیرترین جو خفقان را پدید آورده و شکارچیان انسان را بر تمامی زوایای زندگی اجتماعی حاکم ساخته بود.

چرخش عراق در سیاست خارجی علیه کشورهای مترقی و انقلابی و در جهت هماهنگی با کشورهای

ارتجاعی و دست‌نشانده، علیه جبهه پایداری و پسرود رژیم‌های وابسته عرب، در زمانی رخ داد که این رژیم در داخل کشور نیز به یورش وحشیانه برای قلع و قمع نیروهای میهن‌دوست و آزادیخواه سرکوب مردم حمتکش دست‌زده بود و برای تحکیم و تقویت موقعیت متزلزل خود، جبهه نیرو-های ضد امپریالیست را مورد حمله قرار میداد و در جهت محو دمکراسی و خاموش کردن هر صدای حقیقی گام برمیداشت.

نزدیکی رژیم صدام با رژیم دست‌نشانده شاه ملعون در ایران، که با توافقنامه ۱۹۷۵ رسمیت یافت، دست آنرا در سرکوب و کشتار کردهای آزادیخواه عراق بازگذاشت و به صدام حسین امکان داد که اندک‌اندک تمامی قدرت را در دست خود متمرکز سازد و با سرکوب وحشیانه نیروهای میهن‌دوست و آزادیخواه در داخل و ستمگیری ارتجاعی در سیاست خارجی، هدفهای خائنانه خود را از پیش ببرد.

رژیم صدام درست کمی پس از تیرباران ۳۱ کمونیست میهن‌دوست در عراق و در پی پیروزی انقلاب ایران، بر مداخلات خود در امور داخلی ایران بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی ایران، افزود و بموازات گسترش اختناق در داخل کشور، این مداخلات را گسترده‌تر و آشکارتر ساخت.

صدام حسین تا آنجا به پیش رفت که حتی مخالفین خویش در رهبری حزب بعث عراق را نیز به جوخه تیرباران سپرد و همه آتش شدید توپخانه مداخلان انقلاب، مزدوران عراقی مواضع و تجهیزات نظامی سنگین خود را تغییر داده و تا چند کیلومتر از حاشیه جاده آبادان - ماهه‌ن عقب‌نشینی کردند. بر اساس همین گزارش توپخانه ارتش دیروز در طول جبهه‌های آبادان مواضع دشمن را زیر آتش قرار دادند. همچنین گروهی از رزمندگان انقلاب با استفاده از سلاحهای سبک عده زیادی از مزدوران صدام را بهلاکت رساندند.

تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به ایران زمانی صورت گرفت که صدام حسین همچون رژیم شاه منقرض ایران هنگام یورش به انقلاب ظفار، در «اوج قدرت» و در واقع در انزوای کامل بسر می‌برد از هیچ قسوتی علیه مبارزان

و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراقی فروگذار نمیکرد.

پرتاب موشکهای مخرب زمین به زمین به شهرهای کشور ما و کشتار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی مناطقی که جنایتکاران صدامی بر آن دست می‌یابند، اعمالی که حتی از نظر قوانین جنگ نیز، محکوم و مطرود است، ولی همچون دیگر قوانین جامعه بشری، توسط دشمنان بشریت همواره زیر پا لگدمال شده است، ادامه طبیعی پر خورد وحشیانه و جنایتکارانه رژیم صدام با مبارزان عراقی است، روی دیگر سکه اجرای روشهای قرون وسطایی علیه زندانیان سیاسی و آزادیخواهان و میهن‌دوستان ضد صدامی است.

اما صدام حسین نیز همچون تمامی دیکتاتورهای خونریز تاریخ، که تصور میکردند هر چه جویهای خون جوشانتر و هر چه گورستانها وسیعتر گردد، دوام عمر و قدرت آنها فزوتتر خواهد بود، بظلمت می‌رود. هم‌اکنون در

عراق، که همچون دوران پایداری زندگی حکومت شاه ملعون، خون کمونیستها و مسلمانان در هم گره می‌خورده، جبهه مقاومت علیه این دیکتاتوری خون‌آشام گسترده‌تر میشود و ندای مرگ رژیم صدام را بر عراق می‌گسترانند. وقتی صدام حسین به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یورش می‌آورد و موشکهای ۹ متری خود را به سوی شهرهای کشور ما، پرتاب میکند، شاید همچون هیتلر، به هنگام افروختن آتش جنگ دوم جهانی، می‌اندیشید: «وقتی پیروز شویم، کسی از ما سئوالی نخواهد کرد!» اما او نیز مانند هیتلر و دیگر جانوران زائیده سرمایه‌داری، گورخود رامی‌کند. آن جنایات و آن فجایع هم‌اکنون نفرت افکار عمومی را علیه رژیم صدام برانگیخته است.

سرنوشت صدام از سرنوشت محمدرضای منقرض و دیگر اسلاف این طایفه انسان‌نمای دشمن بشری، بهتر نخواهد بود.

وضع پل رازی رشت خطرناک است

وضع پل رازی، واقع در انتهای خیابان سردار جنگل رشت بسیار خطرناک است و از آنجا که روزانه تعداد زیادی دانش‌آموز و افراد متفرقه از روی این پل عبور می‌کنند، بر مسئولین امر است که هرچه زودتر نسبت به تعمیر آن اقدام کنند.

پل رازی، که در منطقه پسر رفت و آمدی قرار دارد، چندی پیش فروریخت، ولی خوشبختانه ریزش آن زمانی انجام گرفت که کسی در حال عبور از پل نبود. اکنون مدتی است که مسئولین به ساختن پل اقدام کرده‌اند. لیکن کار ساختمان پل به دلایل مختلف، به کندی پیش می‌رود. از آنجا که در حال حاضر این پل را قطعاتی از تخته و چوب و میخ بهم مربوط می‌سازد، و با این وجود روزانه تعداد زیادی از مردم بالاچار از روی آن عبور می‌کنند، بر مسئولین مربوطه است که هرچه زودتر پل مطمئنی در این محل احداث کنند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بصاحب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

زیادی از مزدوران صدام در جبهه‌های کانی‌سخت، شورشیرین و گیلانغرب به هلاکت رسیدند و چندین موضع و سنگر آنان نابود شد. همین مقام افزود در دشت ذهاب بر اثر شدت آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و عملیات چریکی رزمندگان اسلام، قوای دشمن در چند موضع حساس عقب‌نشینی کرده است.

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

مهمات دشمن و تعدادی خودرو منهدم گردید. در حمله به مواضع موشک سامبا و نیز منابع نفتی در جنوب غربی کرکوک یک پاسکده در همین ناحیه صد درصد نابود شد. در حمله به یک تلمبه‌خانه در غرب عراق و یک پل ارتباطی در این منطقه حدود ۵۰٪ خسارت وارد آمد. پالایشگاه التتج عراق نیز مورد حمله قرار گرفت و خساراتی به آن وارد آمد. از میزان خسارات اطلاعات مشخصی در دست نیست. در محور علی غربی به کویت در شرق عراق به تعداد ۵ دستگاه کامیون حامل حدود ۱۰۰۰ کماندو و یک آتش‌خانه صحرائی خساراتی وارد شد. همچنین تجمع دشمن در نوار مرزی شمال بصره مورد حمله قرار گرفت و تلفاتی به آنان وارد شد که میزان آن مشخص نشده است.

ب: عملیات درون مرزی

در محور حلفایه - بسطام ۱۰ خودرو، نفربر و جیب و ۲ دستگاه تانک دشمن منهدم شد و به نیروهای دشمن در شمال غربی خسروآباد خساراتی وارد آمد. همچنین نیروهای متجاوز عراقی در شمال و شمال شرقی خونین‌شهر هدف گلوله‌های جنگنده‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند و خساراتی به آنان وارد آمد. خبرنگار دفتر مرکزی خبر نیز به نقل از استناداری ایلام گزارش داد، که ساعت ۱۰ پیروز بعد از ظهر در اثر حمله هوایم-های عراقی به روستای سراب‌باغ در استان ایلام ۴ نفر از اهالی شهید و ۱۱ نفر مجروح شدند. همچنین در اثر پرتاب موشک ۳۲ خانه مسکونی در این روستا ویران شده است.

سختگویی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نیز گزارش داده است که گروهی از پاسداران رزمنده انقلاب با نفوذ به قلب دشمن و مین‌گذاری در مواضع و تجهیزات آنها موفق شدند ۲

این جنگ در اثر...

بقیه از صفحه ۱

داشت که حکومت جمهوری اسلامی ندارد؟ اگر کمی بیندیشیم و ببینیم با پیروزی انقلاب اسلامی چه چیزی در ایران آغاز شده است، جواب این سؤال را در خواهیم یافت. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود: «شما میدانید که ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ما مرکز توطئه علیه کشورهای مترقی اسلامی مانند، سوریه، الجزایر، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین و تمام نهضت‌های آزادیبخش بود، ولی حکومت اسلامی با فرعون جدید مصر که توطئه آمریکایی-اسرائیلی آن جنایت بزرگ را علیه برداران مسلمان انجام داد و قطع رابطه کرد و درگیری انقلاب اسلامی با آمریکا نیاز به توضیح ندارد. هیچ کشوری مثل ما تاکنون پنجه در پنجه آمریکا نینداخته و به حیثیت آن در جهان لطمه‌ای نزده است.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس گفت: «پس چطور میشود صدام حسین که پادشاه خوب رفتار میکرد از همان ماههای اول انقلاب بر علیه ما به توطئه‌چینی دست بزند و بر علیه کشور اسلامی ما وارد جنگ شود، چطور شد که صدام و آمریکا و عمال آمریکا در منطقه علیه ایران متحد شدند؟ عوامل جنگ را باید در آنجا جستجو کرد، در به خطر افتادن منافع آمریکا در منطقه. چون دیگر نفت خلیج فارس آن تضمین را ندارد تا بهر قیمتی که آنها بخواهند به غرب برود پس این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است و با به خطر افتادن منافع مشترک صدام و آمریکا و ارتجاع در منطقه تمام این نیروها در یک صف قرار گرفته و علیه انقلاب اسلامی فعالیت میکنند. آمریکا هر چه را که میتواند به صورت مخفی و آشکار در اختیار عراق گذاشته به صورتی که آواکس‌های آمریکایی در عربستان بنفع عراق کار میکنند و اردن را شما ملت سوریه بهتر می‌شناسید که هیچوقت تاکنون بنفع ملت مسلمان کاری انجام نداده است و اکنون علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت میکند. ستون تدارکات از بندر عقبه و کویت به عراق سرازیر میشود و لذاست که حمایت‌های آمریکا را به عراق در این جنگ بوضوح میتوان دید. شما در کدام جبهه فعالیت آمریکا را علیه یک کشور اینقدر صریح می‌بینید؟»

پیش از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس سوریه، آقای «محمود حدید» طی سخنانی در مورد انقلاب ایران و دشمنان آن، گفت:

«ما امروز میزبان برادرانی هستیم که نماینده ملتی هستند که با شجاعت و شهامت طاغوتی را که حامی رژیم اشغالگر قدس و دشمن اعراب بود، از کشورشان بیرون رانند. ملتی که خود را در مبارزه با رژیم اشغالگر قدس با ما همسنگر میدانند و برای آزادی قدس اعلام جهاد نموده است و اکنون این ملت به دلیل مواضع سرسختانه‌اش در برابر امپریالیسم و همپیمانانش در منطقه مورد تعرض قرار گرفته است. ما بخوبی آگاهی داریم که آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی برای تضعیف انقلاب اسلامی ایران این جنگ را ترتیب داده‌اند چرا که بخوبی میدانند انقلاب اسلامی ایران از دشمنان سرسخت رژیم اشغالگر قدس میباشد.»

رئیس مجلس ملی سوریه همچنین تأکید کرد: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بمثابة پیروزی بزرگ اعراب در مقابله با دشمنانشان بوده است.»

محمود حدید رئیس مجلس ملی در پایان اظهار داشت: «ملت و دولت سوریه همیشه در کنار انقلاب اسلامی ایران خواهد بود و ما امیدواریم که ملت مسلمان و برادر ایران در جنگ خود با امپریالیسم پیروز شوند.»

نیکاراگوئه مستقل و آزاد

مصاحبه‌ای با توماس بورخه مارتنز، وزیر کشور نیکاراگوئه و عضو رهبری ملی جبهه ساندینیست برای آزادی ملی



خلقی که اسیر دیکتاتوری سوموزا بود

بورخه ساندینیست‌ها از همه سازمان‌ها و کتورهای که از آنها پیش از پیروزی انقلاب پشتیبانی می‌کردند، سپاسگزارند. ما میل داریم با همه کشورها و خلق‌هایی که به حاکمیت ملی ما احترام می‌گذارند و با پیکارمان در راه آزادی ملی و پیشرفت اجتماعی همبستگی نشان می‌دهند، مناسبات دوستانه داشته باشیم.

همان‌گونه که "کومانداخته" دانیل اورنگا، در کنفرانس غیرمتمعه‌دها در هوانا تاکید کرد، مشی اساسی سیاست خارجی نیکاراگوئه عدم تعهد است. سیاست عدم تعهد، به نظر ما، یعنی مبارزه برای حاکمیت ملی کامل و ایجاد نظام جدید اقتصادی، مبتنی بر مبادله برابر و حقوق مساوی. ساندینیست‌ها، به عنوان عناصر ضدامپریالیست، سرخانه برای براندازی استعمار و نواستعمار، نواد پرستی، صهیونیسم و آبارتید می‌رزند. طبیعی است که ما همچنین

های توده‌ای، مانند "کانون ساندینیست زحمتکشان"، را تشویق کنیم. برای پیشبرد این هدف، شرایط بسیار مساعد است. "کمیتسه هماهنگی سندیکاها" از پیشنهاد ما درباره ایجاد یک کانون واحد سندیکایی پشتیبانی می‌کند. ما همچنین برای فعالیت "جوانان ساندینیست - ۱۹ ژوئیه" و "اتحادیه کارگران روستایی" اهمیت فراوان قائل هستیم. چندی پیش "اتحادیه کودکان ساندینیست" نیز تاسیس یافت.

ما به همه این اتحادیه‌ها به عنوان حلقه‌های پیوند میان پیشاهنگ و توده‌ها می‌نگریم. در این گستره، "کمیتسه‌های دفاع ساندینیست" مقامی ویژه دارند. این کمیتسه‌ها، از یکسو، مشی سیاسی "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" را به میان مردم می‌برند و از سوی دیگر، امیدها، انتظارات، عقاید، نگرانی‌ها، خواست‌های

پرش: در مطبوعات جهان، انقلاب نیکاراگوئه به گونه‌هایی بس مختلف ارزیابی می‌شود. نظر شما درباره ساندینیست‌ها چیست؟

بورخه: ما انقلاب نیکاراگوئه را به مثابه انقلابی دموکراتیک، ضدامپریالیستی و خلقی ارزیابی می‌کنیم. انقلاب ما به خودکامگی پایان داد. در این انقلاب توده‌های وسیع خلق از طریق سازمان‌های اجتماعی شرکت کردند. کشور ما به استقلال سیاسی نایل شد و خلق ما اینک سرنوشت خویش را به دست گرفته است. از این پس ایالات متحده آمریکا را به عنوان آقابالاسر قبول داریم و نه به عنوان ارباب. انقلاب ما راه‌همچنین نمی‌تواند انقلابی کشاورزی خواند، چه یکی از هدف‌های انقلاب آن است که مناسبات تولیدی را در روستا دگرگون سازد.

فعالانه در راه صلح جهانی، تنش‌زدایی بین‌المللی و تصویب هرچه زودتر قرارداد "سالت ۲"، که بی‌شک به بهبود اوضاع بین‌المللی منجر خواهد شد، مبارزه می‌کنیم. برای "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" همزیستی مسالمت‌آمیز به هیچ‌روی به معنای قبول امپریالیسم و ستم اجتماعی نیست. ما معتقدیم که خلق‌ها حق آنرا دارند، تا با دست‌یاری به روش‌ها و اشکال گوناگون مبارزه، از جمله پیکار مسلحانه، در راه آزادی خود بزنند. این ساندینیست‌ها بودند که جنگ بارتیزانی را علیه استبداد شروع کردند و صلح را استقرار بخشیدند. دیگر خلق‌های آمریکای لاتین نیز این توانایی را دارند که دستگاه اختناق طبقات استعمارگر را درهم شکنند و دموکراسی خلق را برقرار سازند. آنها نیز از این راه به صلح جهانی، تنش‌زدایی و نبرد ضدامپریالیستی کمک خواهند رساند.



خلقی که زیر رهبری ساندینیست‌ها آزاد شده است

امروزه ما وظیفه خود می‌دانیم که از قدرت انقلابی ساندینیست پاسداری کنیم و آنرا تحکیم بخشیم. "برنامه اضطراری و بازسازی ۱۹۸۵ به سود خلق" (برنامه ۸۰) را جامعه عمل پوشانیم به تعمیق روند دگرگون‌سازی‌های ریشه‌ای بپردازیم، شرایط زندگی زحمتکشان را بهبود دهیم، بر افتخارات میهن خویش بیافزاییم و نمونه‌های ارگراسی، عدالت و همبستگی باشیم. فزون بر این، ما خواهیم کوشید تا به استقلال ملی کامل دست یابیم، پیشرفت اقتصادی را شتاب بخشیم و بهروزی خلق را فزون‌تر سازیم. انقلاب ساندینیستی، مانند هر انقلاب خلقی راستین و به عنوان تجلی قانونمندی - های تحول تاریخی، انقلابی است عمیقاً ملی. ما معتقدیم که تجربیاتمان در نبرد ضد امپریالیستی، در گذشته و در حال، و ابتکار انقلابی، شهادت و قهرمانی خلق ما، با اندیشه‌های آنگوستو سزار ساندینو، میهن‌دوست‌ستیز نیکاراگوئه، و کارلوس فونسکا آما دور، یکی از پایه‌گذاران "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی"، که در سال ۱۹۷۶ در نبرد با یگان‌های "تنبیهی" سوموزا شهید شد، مطابقت دارد.

تردیدی نیست که جامعه ساندینیستی نقش سترگی در مقابله با نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و ایجاد شرایط مساعد برای شکوفایی روندهای انقلابی بازی خواهد کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نقشی بس پر اهمیت در تنش‌زدایی بین‌المللی و کمک سیاسی و مادی به کشورهای ایفا کرده‌اند، که بقیه در صفحه ۶

ساندینیست‌ها همواره کوشیده‌اند تا تجربه‌های انقلابی کشورهای دیگر را، که علیه امپریالیسم و برای براندازی استعمار انسان از انسان زرمیده و می‌رزند، به‌طور جدی و به گونه‌ای مبتکرانه مطالعه کند. ما همواره آماده بوده‌ایم تا پیروزی‌ها و خطاهای انقلاب‌های پیشین و پدیده‌های اجتماعی گوناگونی را، که حتی کمترین فایده‌ای برای مبارزه ما می‌توانند داشت، مورد مطالعه قرار دهیم.

پرش: در حال حاضر چه نیروهای سیاسی در نیکاراگوئه وجود دارد؟

بورخه: اکثریت مطلق خلق ما قاطعانه و باید گفت، با شور فراوان از "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" و رهبران آن پشتیبانی می‌کند. احزاب سنتی، از جمله احزاب محافظه‌کار و لیبرال، هر چند هنوز وجود دارند، ولی عملاً از صحنه سیاست ناپدید شده‌اند. برخی احزاب، مانند "حزب سوسیال مسیحی"، که نماینده اقلیت ناچیزی از مردم هستند، تنها از پشتیبانی محافل ارتجاعی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، نیروهایی هستند، که در گذشته جزء مخالفان سوموزا به‌شمار می‌رفتند. در این زمینه باید از "حزب لیبرال مستقل" و "حزب سوسیال مسیحی خلق" نام برد. در مورد "حزب سوسیالیست نیکاراگوئه"، باید گفت که یکی از گروه‌های آن هم‌اکنون به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" پیوسته است. گروهی دیگر نیز با رهبری "جبهه" در حال مذاکره است و به احتمال قوی به‌زودی به ما ملحق خواهد شد. از این گذشته سازمان‌هایی هم هستند (مانند "جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه") که به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" انتقاداتی دارند. اما ما کوشش می‌کنیم که بر اختلافات موجود چیره شویم و، هر جا که امکان داشته باشد، از ائتلاف تاکتیکی به‌هم‌پیمانی استراتژیک ناغل‌گردیم. هم‌اکنون می‌دانند که در کشور ما آزادی عقیده و ایمان حکمفرماست. تنها هواداران سوموزا و ضد انقلابیونی، که می‌خواهند ما را به گذشته بازگردانند، از این آزادی محرومند. دموکراسی ما نه مزورانه است و نه دروغین، و در عین حال هیچ وجه مشترکی با دموکراسی "سوموزا" و همدست پارانگوت‌های او، "استروستر"، ندارد.

درجهان سوسیالیسم

افزایش درآمد واقعی سرانه در کشورهای سوسیالیستی

در سالهای گذشته، درآمد واقعی مردم کشورهای سوسیالیستی افزایش فراوان یافته است. در این زمینه، همچنین باید یادآور شد که در بیشتر این کشورها حداقل دستمزد نیز بالا رفته است. جدول زیر روند افزایش درآمد واقعی سرانه برخی از کشورهای سوسیالیستی را در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد:

کشور	واحد پول	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱۳۴۹	۱۳۵۸
بلغارستان	لو	۷۸/۳	۹۲/۴	۱۲۴	۱۷۱
کوبا	پسو	-	-	۱۱۶	۱۳۸
لهستان	زلوتی	۱۵۶۰	۱۸۶۷	۲۲۲۵	۴۴۰۸
رومانی	لشو	۸۵۴	۱۱۱۵	۱۴۳۴	۲۰۹۵
اتحاد شوروی	روبل	۸۰/۶	۹۶/۵	۱۲۲	۱۵۵/۲
مجارستان	فورنیت	۱۵۵۳	۱۷۳۷	۲۱۵۲	۳۲۶۷
چکسلواکی	کرون	۱۳۶۵	۱۴۹۳	۱۹۳۷	۲۴۴۴

درجهان سرمایه‌داری

۲۰ میلیون بیکار در ۲۴ کشور سرمایه‌داری

شماره بیکاران در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اینک به ۲۰ میلیون رسیده است. انتظار می‌رود که این شماره در سال میلادی آینده به ۲۳ میلیون افزایش یابد. برپیش از هفت میلیون نفری، که هفت سال پیش در شش کشور پیشرفته سرمایه‌داری در جستجوی کار بودند، اینک ۶/۵ میلیون نفر دیگر اضافه شده‌اند.

در سپتامبر (۱۰ شهریور تا ۸ مهر) امسال شماره بیکاران جمهوری فدرال آلمان ۸۵ هزار بیشتر از ماه مشابه در سال پیش بود. در سه ماه گذشته به شماره بیکاران بریتانیا ۲۵ هزار افزوده شده است. در سپتامبر امسال بیش از ۸ میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند. در ایتالیا شماره بیکاران به مرز ۲ میلیون نزدیک می‌شود، و در فرانسه و ژاپن به زودی بترتیب ۱/۵ و ۱ میلیون نفر بیکار خواهند بود.

جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بدست می‌دهد: شماره و درصد بیکاران در شش کشور پیشرفته سرمایه‌داری

کشور	شماره	درصد	۱۳۵۲	شماره	درصد	۱۳۵۸	شماره	درصد	۱۳۵۹ (تاکنون)
جمهوری فدرال آلمان	۲۷۳۰۰۰	۱/۱	۸۷۰۰۰۰	۳/۸	۸۸۰۰۰۰	۳/۹			
ژاپن	۶۶۴۰۰۰	۱/۱	۱۱۷۰۰۰۰	۲/۱	۱۱۳۴۰۰۰	۲/۵			
ایالات متحده آمریکا	۴۳۰۴۰۰۰	۴/۹	۵۹۶۳۰۰۰	۵/۸	۷۲۱۰۰۰۰	۷/۵			
ایتالیا	۱۰۰۵۰۰۰	۵/۵	۱۶۹۸۰۰۰	۷/۷	۱۶۲۹۰۰۰	۷/۴			
بریتانیا	۶۳۰۰۰۰	۲/۷	۱۳۰۷۰۰۰	۵/۸	۱۵۲۲۰۰۰	۶/۲			
فرانسه	۳۹۴۰۰۰	۲/۵	۱۳۵۰۰۰۰	۷/۸	۱۳۹۳۰۰۰	۸/۱			

بورخه: ما به تجربیات آن بخش از بورژوازی نیازمندیم، که حاضر است به افزایش تولید کمک کند. اینجا مسئله "همزیستی" چندین مطرح نیست، بلکه صحبت بر سر ایجاد اقتصادی مختلط است، که ضرورت آن از شرایط ویژه کشور ما سرچشمه می‌گیرد.

سیاست اقتصادی "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" ترکیبی از سه شکل مالکیت را پیشنهاد می‌کند: مالکیت خصوصی، مالکیت مختلط و مالکیت اجتماعی. مالکیت اجتماعی، یا آنچه که ما مالکیت خلقی می‌نامیم، بر پایه مصادره اموال سوموزا، همپالگی‌های او و بورژوازی‌هاست و ملی کردن معادن، جنگل‌ها و منابع آب متعلق به شرکت‌های خارجی پدید آمده است.

پایه‌های تحکیم انقلاب و افزایش سطح هشاری توده‌های خلق، مالکیت خلقی را گسترش خواهیم داد، لیکن بدون آن‌که مناسبات خود را با آن قشرهایی از بورژوازی، که دگرگونی‌های انقلابی را می‌پذیرند، تیره سازیم. ما به همه کسانی، که حاضرند برای توسعه اقتصاد و رفاه کشور از عقب‌ماندگی با ما همکاری کنند، "چراغ سبز" می‌دهیم. از سوی دیگر، همه عناصری، که به مقابله با واقعیت جدید بپردازند، از درک قانونمندی - های بنیادی انقلاب ساندینیست، بویژه برگشت - ناپذیری آن، سر باز زنند و از روی لجاجت و یا سردرگمی به سیم آخر بزنند، با "چراغ قرمز" ما مواجه خواهند شد.

ساندینیست‌ها هیچ‌گاه به اقلیتی خودخواه اجازه نخواهند داد که اراده خود را بر مردمی تحمیل کند که برای گسستن زنجیرهای وابستگی و استعمار و سبیل به آزادی و استقلال به‌پا خاسته‌اند.

پرش: نیکاراگوئه جدید چه سیاست خارجی در پیش گرفته است؟

ساندینیست‌ها همواره کوشیده‌اند تا تجربه‌های انقلابی کشورهای دیگر را، که علیه امپریالیسم و برای براندازی استعمار انسان از انسان زرمیده و می‌رزند، به‌طور جدی و به گونه‌ای مبتکرانه مطالعه کند. ما همواره آماده بوده‌ایم تا پیروزی‌ها و خطاهای انقلاب‌های پیشین و پدیده‌های اجتماعی گوناگونی را، که حتی کمترین فایده‌ای برای مبارزه ما می‌توانند داشت، مورد مطالعه قرار دهیم.

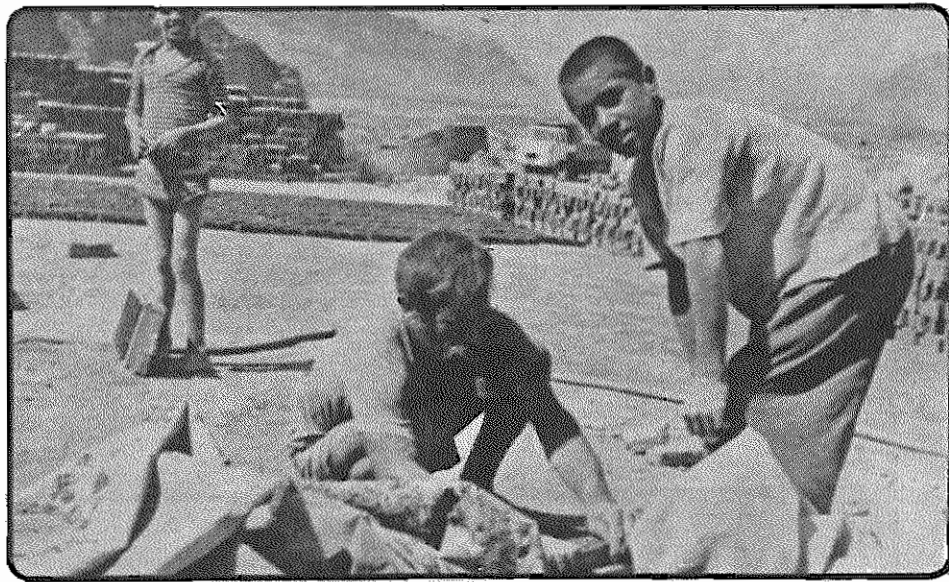
پرش: در حال حاضر چه نیروهای سیاسی در نیکاراگوئه وجود دارد؟

بورخه: اکثریت مطلق خلق ما قاطعانه و باید گفت، با شور فراوان از "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" و رهبران آن پشتیبانی می‌کند. احزاب سنتی، از جمله احزاب محافظه‌کار و لیبرال، هر چند هنوز وجود دارند، ولی عملاً از صحنه سیاست ناپدید شده‌اند. برخی احزاب، مانند "حزب سوسیال مسیحی"، که نماینده اقلیت ناچیزی از مردم هستند، تنها از پشتیبانی محافل ارتجاعی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، نیروهایی هستند، که در گذشته جزء مخالفان سوموزا به‌شمار می‌رفتند. در این زمینه باید از "حزب لیبرال مستقل" و "حزب سوسیال مسیحی خلق" نام برد. در مورد "حزب سوسیالیست نیکاراگوئه"، باید گفت که یکی از گروه‌های آن هم‌اکنون به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" پیوسته است. گروهی دیگر نیز با رهبری "جبهه" در حال مذاکره است و به احتمال قوی به‌زودی به ما ملحق خواهد شد. از این گذشته سازمان‌هایی هم هستند (مانند "جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه") که به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" انتقاداتی دارند. اما ما کوشش می‌کنیم که بر اختلافات موجود چیره شویم و، هر جا که امکان داشته باشد، از ائتلاف تاکتیکی به‌هم‌پیمانی استراتژیک ناغل‌گردیم. هم‌اکنون می‌دانند که در کشور ما آزادی عقیده و ایمان حکمفرماست. تنها هواداران سوموزا و ضد انقلابیونی، که می‌خواهند ما را به گذشته بازگردانند، از این آزادی محرومند. دموکراسی ما نه مزورانه است و نه دروغین، و در عین حال هیچ وجه مشترکی با دموکراسی "سوموزا" و همدست پارانگوت‌های او، "استروستر"، ندارد.

ما کوشش می‌کنیم که "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" را تحکیم بخشیم و بر پایه آن، یک حزب پیشاهنگ انقلاب را، که رهبری سیاسی توده‌های خلق را به عهده گیرد، پایه گذاریم. ما همچنین بر آنیم که فعالیت سازمان -

در کوره پزخانه‌های اطراف خرم آباد لرستان

بی نصیب از هر چیز، اما امیدوار به انقلاب



اینجا هیچکس بیمه نیست

با توجه به گسترش فعالیت‌های ساختمانی در سطح کشور، کارگران کوره پزخانه‌ها، سهم‌بزرگی در راه اندازی کارگاه‌های ساختمانی و تامین مواد اولیه بخصوص آجر برای این کارگاه‌ها را به عهده دارند. ولی متأسفانه کمتر به مسائل آنان رسیدگی می‌شود. چرا که اکثر آنان داشتن حقوق مکفی بیمه، بازنشستگی و... بی بهره‌اند. یکی از وظایف دولت رسیدگی به وضع کوره پزخانه‌ها و همکاری با کارگران این کوره‌ها در جهت رفع مشکلات آنان است. در رابطه با این مسائل به دو کوره آجری در اطراف خرم آباد سرزدیم تا از نزدیک با مسائل آنها آشنا شویم:

کوره اول کوره‌ای است "دستی" که در آن ۹ نفر کار میکنند که از این تعداد ۳ نفر نزدیکان صاحب کوره و بقیه کارگران مزدبگیر هستند.

با یکی از کارگران که الله مراد کولیوند نام دارد به گفتگو نشستیم و از او خواستیم راجع به کارش برای ما بگوید: او در حالی که از فرط خستگی نفس نفس می‌زد بدون آنکه کار خود را قطع کند گفت: "کار من خشت زنی" است و هر روز همراه دو فرزندم

مزدی از صاحب کارگاه دریافت نمی‌کنند. کارگران دیگر این کوره روزانه بین ۱۵۰۰ الی ۹۰۰ ریال در ازای حدود ۱۲ ساعت کار دریافت می‌دارند. هیچ کدام بیمه نیستند و از هیچ مکان رفاهی و بهداشتی استفاده نمی‌کنند، چون که اصلاً چنین امکاناتی چه در این محل و چه در جاهای دیگر برای آنها وجود ندارد.

کوره دوم، کوره‌ای است در شمال غرب خرم آباد و از نوع کوره‌های موسوم به "فشاری" است.

در این کوره حدود ۷۰ الی ۸۰ کارگر در شرایطی سخت و طاقت فرسا به کار مشغول هستند.

با کارگران که صحبت می‌کنیم اکثر آنها ضمن پشتیبانی از انقلاب خواهان رسیدگی به وضع خود از طرف مسئولین امور هستند.

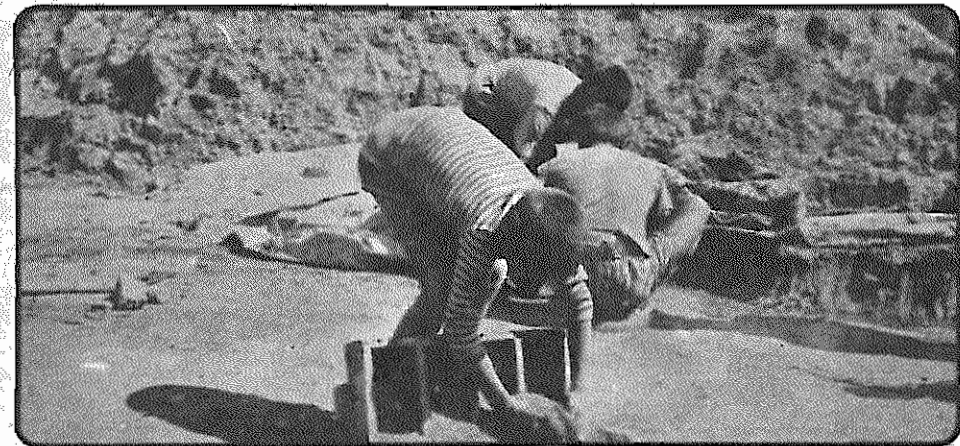
غلامرضا درمورد وضع خودش و انقلاب صحبت می‌کند: "من خشت زن هستم و هزاری کار می‌کنم یعنی برای هر هزاره ۹ تومان مزد می‌گیرم و ضمناً بیمه نیستم و اگر حین کار صدمه ببینم هیچ تاملی برای درمان ندارم. از هفت صبح تا غروب آفتاب بطور یکنواخت کار می‌کنیم و مزد روزانه هم کفاف زندگی را نمی‌دهد."

غلامرضا در مورد انقلاب می‌گوید: "ما از اینکه انقلاب کردیم و رژیم خونخوار پهلوی را از زمین بردیم خوشحالیم و خواست ما از دولت انقلابی تامین نیازهای مستضعفین است."

نبی سید احمد یکی دیگر از کارگران این کوره می‌گوید: "بیشتر مادر اینجا همیشه مریض هستیم و اصلاً به رسیدگی نمی‌کنند. بیمه نیستم، مجبوریم با پول ناچیز خودمان به دکتر برویم، شورا یا سندیکا هم ندارند و بنا بر این خواست هایمان همیشه نادیده گرفته می‌شود."

حسین یکی دیگر از کارگران ضمن کله‌بسیار از وضع کارش در کارگاه، سازشکاران با آمریکا را دشمن انقلاب می‌داند و می‌گوید: "سازشکاران را باید

به نامهای صادق و سلطان مراد از ساعت ۶ صبح به اینجا می‌آئیم و کل آماده می‌کنیم، بعد گل را قالب زده و خشت خام تهیه می‌کنیم و این کار را تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه می‌دهیم. ما فقط ظهرها حدود نیم ساعت برای خوردن غذا استراحت می‌کنیم. او می‌گوید که به اتفاق فرزندانش روزانه حدود ۲۵۰۰ خشت می‌زنند و در ازای هر ۱۰۰۰ خشت حدود ۹۰۰ ریال مزد دریافت می‌دارد. زانو پرسیدیم آیا با این درآمد از عهده تامین مخارج زندگی برمی‌آیند، در جواب می‌گوید: کار من فصلی است یعنی اینکه چون زانو وسط پاییز تا اواخر بهار بعلت بارندگی امکان خشت زنی وجود ندارد، نتیجتاً در ایام بارندگی در شهرک ساختمانی رومی‌ورم و چون در زمستانها معمولاً کار ساختمانی کم است بیشتر روزها



کودکان و نوجوانان بجای درس خواندن کار می‌کنند

تنبیه کرد، حتی اگر بدرت هم باشند. به قسمت دیگر کوره که در آن آجر می‌پزند رفتیم. روی کوره دو کارگر جوان مشغول کار بودند و یکی از آنها احمد نام دارد. او می‌گوید که اهل تبریز است. ولی برای تامین خرج خانواده مجبور است که ۴ ماه از سال را به خرم آباد آمده و در کوره به کار بپردازد. او می‌گوید که: "دود اینجا بیشتر ما را دچار بیماریهای ریوی کرده است و برای درمان بیمه‌ریهان بیمه هم نیستیم که لااقل در درمان را درمان کنیم."

احمد نگران و خسته می‌گوید: "ما چشم امیدمان به امام خمینی است" او در پایان از ما خواهش کرد که حتماً این مطالب را در روزنامه بنویسیم شاید مسئولان زودتر به وضع آنها رسیدگی کنند همه کارگران بدترستی به پیروزی و تحکیم انقلاب اطمینان کامل و به رفع نیازهای بازرگان انقلابیان امید فراوان داشتند.

بیکار هستم و برای امرار معاش مجبور به پول قرض کردن از دیگران می‌شوم. خوب به این ترتیب شما حساب کنید با درآمد این چندماه هم مجبور هستم که خرج ۹۰۰۰۰ عائله را بپردازم و هم بدهی‌های سال گذشته را و هم مقداری برای ایام بیکاری پس انداز کنم. آنها با این وضع گرانی، ببینید چه زندگی ای باید داشته باشم. صادق که پسر الله مراد است کودکی است بشاش ولی لاغر اندام و نحیف که بر اثر بلند کردن قالبهای آجر، هیكلی نا- متناسب پیدا کرده است. او با اینکه ۹ ساله است هنوز به مدرسه نرفته است. چرا که معمولاً به پدرش کمک می‌کند و فرصت درس خواندن ندارد.

سلطان مراد یکی دیگر از فرزندان این کارگر است که ۱۳ سال سن دارد و در کلاس اول راهنمایی درس می‌خواند. او در ایام تعطیل به کمک پدر و برادرش می‌آید و به خشت زنی مشغول می‌شود. ضمناً صادق و سلطان مراد هیچ دست

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می‌کنند!

کارگران ارج با در دست گرفتن حفاظت کارخانه شور انقلابی خود را نشان دادند. در حال حاضر پاسداران ارج، که از کارگران آموزش دیده‌اند، حفاظت تمام سیسات کارخانه، یعنی اموال خلق را بعهده دارند. فعالیت نظامی کارگران به اینجا خاتمه نمی‌یابد. تا به حال ۲ دوره آموزش نظامی از طرف سپاه پاسداران تشکیل شده و در آن حدود ۸۰ نفر از مردان ۲۰هه نفر از زنان شرکت کرده‌اند و هم اکنون یک گروه مقاومت ۲۲ نفری از کارخانه وظایف محوله را انجام می‌دهد. دوره سوم کلاس آموزش نظامی نیز در حال تشکیل شدن است.

یکسال از فعالیت دومین شورای کارکنان ارج می‌گذرد. جا دارد که نگاهی کوتاه به فعالیت این شورا ظرف یکسال اخیر بیفکنیم: - شورا فعالیت پیگیر و مستمری را در جهت ملی کردن کارخانه انجام داده، که منجر به انتخاب هیئت مدیره کارخانه، شامل ۲ نماینده از طرف وزارت صنایع و معادن و ۳ نفر از طرف شورای کارکنان، ارج گردیده است.

- تصفیه و اخراج چند نفر از عوامل کارفرما، ساواکی‌ها و ضدکارگرها، - کم کردن حقوقهای کلان مدیران و رؤسای اضافه کردن حقوق کارگران به منظور تعدیل در حقوقها، - پرداخت سود ویژه‌ی کارگران به صورت وام، - اخراج کسانی که مشغول داشتند و از محل حقوق می‌گرفتند و اخراج بازنشستگان ارتش، که در کارخانه کار می‌کردند، - بهبود شرایط کار کارگران، برای نمونه:

نصب بخاری در کارگاهها (قبلاً در زمستان کارگران مجبور بودند از شدت سرما هیزم و چوب روشن کنند، آنها در کارخانه‌ای که مجهز به مدرنترین دستگاه‌های تولیدی است) و نصب کولرهای سقفی جهت خنک کردن کارگاهها در تابستان، - فعالیت در جهت ساختن خانه برای کارگران (اخیراً با همکاری بنیاد مسکن خانه سازی برای کارگران آغاز شده است.)،

- برپائی شرکت در راهپیمائی و تظاهرات ضد امپریالیسم و تشکیل مجمع عمومی جهت آگاه کردن کارگران از وضع کارخانه.

در مجموع شورای ارج با کار پیگیر و مداوم خود، فعالیت در جهت منافع کارگران گام برداشته است. کارگران در انتخابات آتی نیز نمایندگان واقعی و حامی منافعشان را انتخاب می‌کنند، نمایندگان که جز به فکر طبقه کارگر و پیروزی انقلاب ایران نباشند.

کارگران ارج همچون برادران کارگر خود در کارخانه‌های دیگر، همچون نفتگران غیور جنوب و معدنیان و همچون تمامی زحمتکشان شهروستانی ایران، همانطور که با اعتصابات قهرمانانه خود کمرا میرالیسم را در منطقه شکستند، همانطور هم از بدو پیروزی انقلاب با شروع به کار، بنا بر راه انداختن چرخهای اقتصادی این مملکت، سوگند یاد کردند که به آرمانهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران وفادار باشند و پیشاپیش صف خلق، مبارزه جانانه علیه امپریالیسم و حامیانش علیه ستگری نظام سرمایه داری وابسته، علیه استعمار روحیانه غارتگران و چپاولگران را به پیش برند.

کارگران ارج با وجود دشواریها و مشکلات فراوانی که در پیش پای تولید کارخانه، از طرف عناصر معلوم-الحالی چون ایادی سرمایه داران فراری، ساواکی‌ها، مدیران قبلی کارخانه، گروههای چپ‌نما و مشکلات اقتصادی چون گرانی، نبودن مسکن، نبودن بهداشت و غیره وجود داشته توانستند تا به امروز کارخانه را سرپا نگهدارند و با کار و کوشش خستگی ناپذیر خود هر روز استوارتر در برابر امپریالیستها و عمال داخلی آنها، به انقلاب ایران کمک کنند.

حفظ تولید کارخانه ارج یکی از کارهای مهم کارگران و شورای کارخانه است. در حالی که صاحبان کارخانه وعده‌ای از مدیران گریخته بودند و وعده‌ای که باقی مانده بودند، یا توسط شورا اخراج شده و یا خود به سرکار نمی‌آمدند و در نتیجه کارخانه با مشکل عدم مدیریت روبرو بود و لذا انقلاب امیدوار بود تا از این طریق کارخانه را به تعطیلی بکشاند و ضربه‌ای به انقلاب ایران بزند، کارگران ارج، به همراه شورای منتخب خود، اداره کارخانه را به عهده گرفته و با فروش آزاد محصولات خود نشان دادند که اداره کارخانه از عهده کارگران و عناصر مومن به طبقه کارگر و انقلاب ایران ساخته است.

کارگران ارج تمام رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب را برای به ثمر رساندن انقلاب ایران اجرا کرده‌اند و هر جا که لازم بوده، چه برای جنگ و چه برای تولید بیشتر از بدل جان هم دریغ نکرده‌اند.

کارگران ارج به همراه شورای خود در دو جنبه، یکی همگام با کل انقلاب علیه ضد انقلاب داخلی و خارجی و دیگری علیه سرمایه داران و عوامل آنها مبارزه می‌کردند. کارگران ارج متحداً در تمام راهپیمائی‌های هائی که علیه آمریکا و استکبار و مستکبرین ترتیب داده شده، شرکت کرده‌اند.

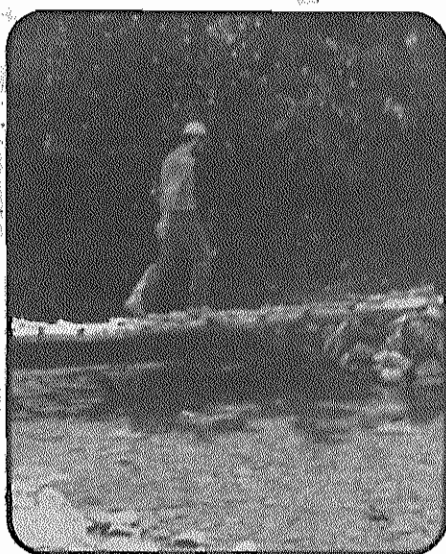
طبقه کارگران در افزایش تولید،

ترمیم خسارات جنگ

و دفاع در جبهه، پیشقدم است

کداری به روستا

روستای کاجان در نزدیکی تهران



«پل» میور رودخانه روستای کاجان

روستای کاجان - از حومه دماوند در قسمت شرق تهران میان دره خوش هوایی قرار دارد. فاصله این روستا از تهران ۷۵ کیلومتر است که ۹ کیلومتر آن شامل یک جاده خاکی و سنگلاخ است به علت نبودن جاده قابل استفاده در مواقع ریزش برف و باران، اهالی دچار مشکلات فراوان می شوند و ارتباط آنها با شهرستان قطع می شود.

در کاجان حدود ۶۰ خانوار (۲۵۰ نفر) زندگی می کنند. مساحت زمینهای دایروبا بر روستا بالغ بر صد هکتار است و دودانگ این زمینها اربابی و بقیه خرده مالکی است که به ۵۰ خانوار تعلق دارد، ۱۰ خانوار بقیه خوش نشین هستند و از طریق کارمزدی برای دیگران مرا معاش می کنند. دهها هکتار زمین اربابی هم بدون استفاده افتاده است گذشته از آنکه از حضور ارباب در روستا خبری نیست، اجازه بهره برداری از زمینها را نیز به زارعین نمی دهد. دادن کلیه زمینها به دهقانان زحمتکش و تامین وسایل در شرایط کنونی تجاوز دارودسته صدام حسین امریکائی به ایران، موجب خواهد شد که پشت جبهه تقویت شود و محصول کافی برای رفع نیازهای کشور بدست آید.

فرزندان روستائیان اکثرا بعد از طی دوره ابتدائی ترک تحصیل می کنند و به ندرت بعضی از آنها برای ادامه تحصیل به نزدیکترین روستای مجاور به نام مراء که در فاصله شش کیلومتری قرار دارد، می روند. ولی بین کاجان و مراء سرویس رفت و آمد وجود ندارد.

زنان روستائی ظروف و لباسها را در جوی آبی که از کنار روستا میگذرد و کاملاً غیر بهداشتی است، می شویند و این خود منبع شیوع انواع بیماریها است. در این روستا حتی یک دکان کوچک وجود ندارد و اهالی مجبورند برای کمترین خرید کیلومترها راه پیمایند.

روستای کاجان برق ندارد، غسلخانه ندارد، در بزایرسیل کاملاً بی دفاع است آب مشروب اهالی منحصر به یک چشمه است، که آب باریکه ای از آن جریان دارد و از درمانگاه اشرفی نیست. اگر اهالی روستا مریض شوند، باید به دماوند، به فاصله ۱۵ کیلومتر، مراجعه کنند. وضع زایمان زنان روستائی رقت انگیز است. زراعتها با وسایل ابتدائی و سنتی انجام می شود. سمپاشی درختان توسط اهالی و به تشخیص خودشان از لحاظ انتخاب نوع سم صورت می گیرد. گرانی بیداد میکند. شورای ده، که اکنون به عنوان یک نهاد دموکراتیک در جامعه انقلابی ما مطرح است، هنوز در این روستا تشکیل نشده است.

در یک کلام می توان گفت، علیرغم نزدیکی به تهران، در این روستا هنوز تحولات انقلابی راه نیافته و آثار عقب ماندگی از دوران استعماری گذشته به شدیدترین وجهی در آن وجود دارد. ایجاد این تحولات ضروری انقلابی، دهات ایران را به دژهای مستحکم انقلاب بدل خواهد کرد و هر تاجا و زکارتی از نوع صدام حسین آرزوی درهم شکستن میهن انقلابی ما را بگور خواهد برد. به همین جهت هم انتظار مردم از دولت حل مسئله زمین، رسیدگی به وضع ناهاجر

خرید محصول گندم دهقانان به قیمت عادلانه

نرخ خرید محصول گندم کشاورزان، هر کیلو ۲۰ ریال و نرخ فروش آن توسط دولت هر کیلو ۲۵ ریال تعیین شده است. ولی این قیمت، دهقانان منطقه شهرکرد را، مانند بسیاری دیگر از تولیدکنندگان گندم، راضی نمی کند. پایین بودن نرخ خرید موجب فروش محصول به واسطه ها می شود و این کار عواقب وخیمی دارد، زیرا که واسطه ها میتوانند دست به احتکار و ایجاد کمبود مصنوعی بزنند.

با بد توجه داشت که مادر شرایطی هستیم که کشور در جنگ با دشمن بسر می برد و احتکار و کمبود از حربه های ضد انقلاب است، لذا تعیین قیمت عادلانه برای محصولات اکنون اهمیت حیاتی دارد. ضمناً کشاورزان، اکنون گندم را برای بذر مورد احتیاج از اداره کشاورزی استان، به قیمت کیلویی ۲۵ ریال خریداری می کنند، که باید به آن هزینه هر کیلو در حدود ۱/۵ ریال را جهت بوجاری (الک کردن) و تمیز کردن برای دهقانان اضافه کرد.

قیمت عادلانه خرید در مورد سبب زمینی نیز مطرح است. وظیفه دولت مسئولین است که از هم اکنون نسبت به خرید محصول سبب زمینی و نیز چغندر قند کشاورزان به قیمت عادلانه و درجهت کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالان، که می خواهند محصول را یکبار به پیش خرید کنند، اقدام کنند. این کار در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی آمریکا اهمیت فراوان پیدا کرده است. بعلاوه، بحالت سیل زدگی، سرمازدگی و رطوبت زیاد زمینها، کشاورزان منطقه شهرکرد، دچار خسارات و زیانهای فراوانی شده اند. لازم است با در نظر گرفتن شرایط حاضر، به وضع این دهقانان توجه و خسارات آنان جبران شود.

کشور ما باید پاسخی دندان شکن به تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا بدهد و وزیر اقتصاد و وزارت رژیم مزدور صدام از نظر تامین مواد غذایی خودکفا باشد. برای اینکار دولت انقلاب باید برنامه های خود را دقیقاً تدوین کند و با شرایط جنگی و مقابله با امپریالیسم آمریکا همساز نماید. تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات اساسی کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه ها از جمله این اقدامات است.

این اقدام یک بخش مهم در اجرای فرمان امام خمینی مبنی بر جهاد کشاورزی و کشت همه زمینها و بدست آوردن محصول هر چه بیشتر است. این جهاد را باید تدارک دید و زمینه موفقیت آن را آماده ساخت.

در کنار اجرای اصلاحات ارضی و تامین وسایل کار و کشت، تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات کشاورزی، یکی از سلاحهای اساسی و برای موفقیت در جهاد عظیم تولید بیشتر است. کشور ما در مقابل خود با امپریالیسم آمریکا و محاصره اقتصادی شیطان بزرگ نیاز دارد که اوراق عمومی را در مهمترین و حیاتی ترین اقلام آن در داخل کشور تولید کند و بهیچوجه نیازمند واردات از خارج نباشد.

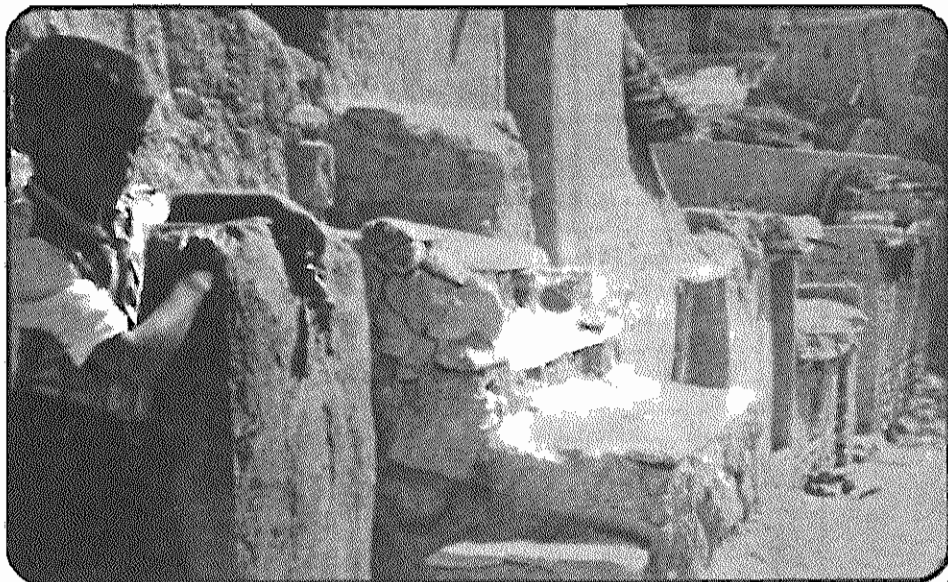
دهقانان زحمتکش ایرانی با رستگین جبهه جنگ را بردوش دارند و در پشت جبهه درستگر مزارع و درمیدان نبرد تولید بیشتر نیز نقش بسیار حیاتی و سزاوار خود را به انجام خواهند رساند. دولت انقلابی نیز وظیفه دارد شرایط و اسباب این انجام وظیفه را مهیا سازد.

آنها و بهبود شرایط زندگی شان است. شرایطی که سیاست ضد دهقانی رژیم شاه ملعون بوجد آورده است. در شرایط حساس جنگ امریکائی صدام، دهقانان نارسائیها و کمبودها را تحمل میکنند و آماده اند که در جهاد کشاورزی فعالانه شرکت کنند.

اخیراً وزارت بهداشتی و بهزیستی اقدام به ساختن درمانگاهی در این روستا کرده و تقریباً ۴۰ درصد کار ساختمانی آن به اتمام رسیده است. پیروزی ساختمان مربوط به سه کلاس راهنمایی دبیرستان نیز شروع شده است. همچنین به همت جهاد سازندگی یک باب حمام تاسیس و در اختیار روستائیان قرار داده شده است.

دهقانان از این اقدامات بسیار سگزار می کنند و امیدوارند که بعد از پیروزی در جنگ عادلانه علیه رژیم صدام، سایر مشکلات فراوان آنها نیز بتدریج مرتفع شود.

"ما اینجا هیچ چیز نداریم. من و شوهرم با این سن و سال زیاد مجبوریم از صبح تا شب روی زمینهای دیگران کار کنیم، با این وصف خرج بخوریم. نمیر ما و فرزندمان جور نمی شود. خانه ما از خشت خام ساخته شده و با اولین باران تمام خیس و نمدا میشود.



روستای کاجان - در فاصله کمی از تهران - مظهری از فقر و عقب افتادگی است. با غلبه بردشمن متجاوز و شرکت در جهاد تولید کشاورزی، سیمای دهات کشور ما نیز تغییر خواهد کرد.

پای صحبت چند نفر از اهالی روستا می نشینیم. زنی به اسم فاطمه اظهار میدارد:

شمارابه خدا بگوئید به وضع ما رسیدگی شود و ما را از این فلاکت خلاص کنند. مگر مستضعف ترا ما هم وجود دارد؟

فضیالی می گوید:

"در این روستا قبلاً ۱۰۰ خانوار زندگی می کردند، ولی غالباً جوانان به

علت فقدان امکانات روستا را ترک کرده به تهران هجوم برده اند. در حال حاضر فقط کودکان و پسران در روستا باقی مانده اند، به این لحاظ از نظر نیروی کار بسیار در عقبه هستیم و خسارات سنگینی متحمل می شویم، لذا دولت برای جلوگیری از انهدام کشاورزی در این روستا باید چاره ای کند. روستائیان کاجان ناچار هستند محصولات درختان خود را به حداقل قیمت روز به بازار فروشان میدان عرضه کنند. وای به وقتی که آفته سرما و تگرگ به سردرختها آسیب برساند. در آن صورت دیگر حساب روستا - ثیان در آن سال بکلی پاک است."

علی قنبری، جوانی که در سالهای اخیر ده را ترک کرده و در چاخانه دانشگاه علم و صنعت مشغول کار است می گوید:

"اگر وضع ده خوب بود، من هرگز با پنج ساعه ثله به تهران نمی رفتم. ما به زندگی در شهر عادت نداریم. کشاورزی در خون ما ست."

می پرسیم: از دولت جمهوری اسلامی چه انتظاری داری؟ می گوید:

"دلم می خواهد روستای ما هم مثل بعضی از روستاهای دیگر، برق، جاده و دبیرستان نداشته باشد تا قابل زندگی کردن شود."

دهقانان ایران امروز یکدل و یک جان از انقلاب بزرگ خود و از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، تا فردا بتوانند در ایجاد زندگی بهتر و شایسته ای سهم داشته باشند.

از قبیل توتون و چغندر قند مساعد است. آنها قادرند در جهاد کشاورزی شرکت فعال کنند. مسئولان امور موظفند موقعیت این روستا را در نظر بگیرند و به دهقانان کمک های فوری و مؤثر فنی (از قبیل تراکتور دیگر ماشین آلات) بکنند و با تهیه کود، یاد دادن طرز استفاده صحیح و موقع آن و دادن کمکهای مالی (وام -

درده فقط یک تراکتور وجود دارد. کرا به شخم زمین از قرا ره رطنا بزمین (۴۱۰۰ متر مربع) ۱۰۰ تومان است. دهقانان با درک شرایط سخت دوران جنگ، فداکارانه متحمل کمبودها میشوند تا با موفقیت در سنگر تولید محصول بردشمن ضربه وارد سازند. در این روستا زمینها برای تولید محصولات صنعتی

چغندرکاران ده از نظر تهیه کود در مضیق اند و کارخانه چغندر قند سازی امرتیه کود کمکی عملی به آنها نمی کند. در روستا حمام، درمانگاه و شرکت تعاونی وجود ندارد اهالی مجبورند از روستای قره کوز مواد مصرفی خود را تامین کنند. با کمک جهاد سازندگی کار برق کشی به روستا در حال اتمام است.

برای شرکت در جهاد کشاورزی و در هم شکستن توپنه اقتصادی آمریکا

روستای "سهولو" با جمعیتی در حدود ۸۰ خانوار (تقریباً ۶۰۰ نفر) در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. در این روستا ۸ خانوار اربابی زمین وجود دارد.

های در از مدت و بدون بهره لغوبدهی های عقب افتاده دهقانان) وغیره به آنها یاری رسانند. در این صورت با رشد کشاورزی، به رشد رشته های مربوط به صنعت نیز کمک خواهد شد و جهاد تولید بیشتر و خرید کردن محاصره اقتصادی آمریکا، که وظیفه مهم انقلابی است، با موفقیت عملی خواهد گردید.

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۹
باشکرت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
پخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره دیروز درج شد. پخش دوم آن در این شماره به چاپ می رسد و بقیه در شماره آینده منتشر خواهد شد.

نورالدین کیانوری

(۲)

«پرسش و پاسخ»

بررسی مسائل

مباروز

۳- پاسخ به یک دوست مسلمان

اما اگر به فکر منافع خودشان بودند، مثل اکثر مهندسی که امروز در جامعه ما هستند، صاحب مال و منال و کارخانه شده بودند. ولی توده های ما، اعم از افسران و مهندسان و کارگران و روشنفکران زندگی خود را فقط به مبارزه در راه منافع حیاتی توده های میلیونی زحمتکش میهن ما که اکثریت مطلق شان مذهبی و متعهد هستند، اختصاص داده. همه چیز خود را در این راه فدا کرده اند. این پدیده را این دوستان مسلمان ما هنوز درک نمی کنند. آنها به مفهوم واقعی این پدیده که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در دنیا پیدا شده و ۶۰ سال است افکار عمومی سراسر جهان را مشغول می دارد، پی نبرده اند و نمی دانند چرا کمونیست ها حاضر می شوند برای جمهوری اسلامی خون خود را نثار کنند؟ آنها باید به این سؤال جواب بدهند. پاسخ ما همان است که همه در جمهوری اسلامی شاهد آنند: ما، با تمام امکانات برای تحکیم این جمهوری اسلامی مبارزه کرده ایم و می کنیم. چرا؟ برای این که در این جمهوری اسلامی نیروهایی را می بینیم که علیه بدبختی هایی مبارزه می کنند که جامعه ما طی قرن ها و بخصوص طی ده ها سال اخیر گرفتار آن بوده است. آنها علیه سلطه امپریالیسم، علیه سودجویی طبقات وابسته به امپریالیسم یعنی سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان و به نفع توده های میلیونی محروم مبارزه می کنند و چون می بینیم که نظام جمهوری اسلامی با تمام خصوصیاتش در زمینه های استقلال و رهایی از وابستگی به امپریالیسم و برانداختن نظام غارتگر سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، تاکنون، یک سلسله اقدامات جدی به نفع توده های میلیونی انجام داده است، با تمام قوا از آن پشتیبانی می کنیم و حاضریم جان مان را در این راه فدا کنیم. با توجه به این واقعیت است که ما بدون این که هیچ چیزی از این جمهوری بخواهیم و بدون این که جمهوری اسلامی هیچ چیزی به ما بدهد، حتی با آن که افراد توده ای را از حقوق خقهای مطابق قانون به آنها تعلق می گیرد محروم می کنند و از کار بیرون شان می کنند، برای تحکیم جمهوری اسلامی خواهیم کوشید و همان طور که توده های هادر سنگرهای جبهه نشان داده اند، آماده ایم تا پای جان از آن دفاع کنیم. پس مسئله به هیچ وجه «فریبکاری» نیست. ما هر روز انتظار داریم که مسلمانان خیلی متعصب و کوتاه بین باز هم به جان توده های ما بیافتند و همان طوری که دخترهای ما را اشغال کردند و رفقای ما را زدند و در بعضی موارد حتی علیه توده های هابی که از جمهوری اسلامی دفاع می کردند، حکم اعدام صادر کردند و حکم را هم به موقع اجرا گذاشتند - مثل کرمانشاهان و هیچ بعید نیست که باز هم این اعمال تکرار شود، ولی معذالک تاریخی که ما احساس کنیم و با کمک های خودمان به این نتیجه برسیم که سیاست تعیین کننده، در جمهوری اسلامی، سیاستی است به طور عمده علیه امپریالیسم و علیه سلطه همه جانبه امپریالیسم بر میهن ملی است به سود محرومان جامعه و علیه غارتگری چپاولگران اجتماعی، از این نظام پشتیبانی خواهیم کرد. این است صداقت انقلابی، که بدان می بالیم.

و اما قسمت دوم سؤال این است که: مگر تنها اصل عقیدتی و آرمانی حزب توده ایران دفاع از شوروی است، که حزب برای جلب نیروها در تمام موارد عقبنشینی می کند ولی در این مورد هیچ گونه عقبنشینی نمی کند؟ این قسمت از سؤال دوست مسلمان ما هم به کلی غلط و ناشی از شناخت نادرستی است که از سیاست حزب ما دارد. یک نکته بسیار نادرست در این جا هست که گویا ما حاضریم برای جلب سایر نیروها از اصول عقیدتی خودمان، غیر از آن چه که به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی مربوط می شود، عدول کنیم. این ناشی از عدم شناخت مطلق از توده های ما است.

برای آن که یکی از صفات مشخصه توده های ما و امثال توده های ما، نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا و در طول تمام تاریخ صدوسی و چند ساله ای که سوسیالیسم علمی وارد میدان سیاست شده، این است که برای دفاع از اصول عقیدتی خود حاضر به تحمل همه گونه محرومیت هایی هستند. اگر تنها همین تاریخ ۴۰ ساله اخیر را در نظر بگیریم می بینیم برای دفاع از سوسیالیسم علمی در جنگ جهانی دوم چه تلفات عظیمی داده شد. در جنگ دوم جهانی نه فقط در کشور اتحاد شوروی، بلکه در فرانسه، آلمان، یوگسلاوی، ایتالیا و در سایر کشورهایی که تحت اشغال فاشیسم درآمده بودند، کمونیست ها بیش از هر نیروی سیاسی دیگر برای دفاع از اصول عقیدتی خود قربانی دادند. اصلا بازرترین صفت مشخصه هواداران سوسیالیسم علمی توده های ما، همین است که از اصول خود یک گام هم عقبنشینی نمی کنند. یعنی اگر به ما بگویند که حاضریم شما را وزیر کنیم به شرط این که بگویند که دیگر طرفدار سوسیالیسم علمی نیستیم، در جواب می گوئیم، وزارت مال خودتان، ولی ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم و یک گام هم از اصول خود عقب نمی نشینیم. ولی اگر با علم بر این که ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم، خواستید فلان کارخانه را به ما بدهید که اداره کنیم، با تمام صداقت آنرا خواهیم پذیرفت. ما در عین این که در تاکتیک، در برخورد به مسائل روزنرزشا صولی داریم، به خاطر هیچ چیز، نه برای مقام و نه برای جلب سایر نیروها، هرگز حاضر نیستیم از اصول خودمان عدول کنیم. آنجا هم که نرزش نشان می دهیم، این نرزش همراه است با کوشش برای شناخت بیشتر نیروهای دیگر. ما می گوئیم بر سر اصول دعوا راه نیاندازید: ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم، شما طرفدار نظریات ایدئولوژیک دیگر. ولی برای این که دست آمریکایی ها از ایران کوتاه شود، هر دو می ماباهم توافق داریم. همه با هم نیروهای خود را به کار بریم تا شر آمریکایی ها از ایران کنده شود. و وقتی هم شر آنها کنده شد، آنوقت اگر شما اکثریت داشتید، تمام دستگاه دولتی مال شما است. اگر واقعا منطقی و عاقلانه عمل کنید، از همکاری ما و نیرویی که داریم استفاده خواهید کرد. مثل خیلی از جنبش های اجتماعی غیر سوسیالیستی کشورهای دیگر که با همین برخورد توانسته اند استقلال ملی شان را حفظ کنند. یکی از نمونه های آن نحوه عمل سوریه در مقابل امپریالیسم، صهیونیسم و طبقات ارتجاعی جامعه است.

ما این اتهام را که گویا به خاطر جلب پشتیبانی سایر نیروها، حاضریم از اصول عدول کنیم، نشانه ای از عدم شناخت می دانیم. ما حاضریم با سایر نیروها در آن بخشی از راه که با آنها هدف های مشترک داریم،

ندارد، حتی عقبنشینی کنیم. این مسئله که دوستان و دشمنان چه کسانی هستند و اعتقادات ما در این زمینه، ناشی از شناخت اصلی ما است و ما از هیچ طرف آن، عقبنشینی نخواهیم کرد. مگر ما در مورد شناخت دشمنان ایران عقبنشینی کرده ایم؟ گفته ایم که امپریالیسم دشمن ایران است و به خاطر همین شناخت، آماج انواع حملات قرار می گیریم. اولین حزب سیاسی که در ایران گفت بزرگترین دشمن ایران آمریکا است، حزب توده ایران بود. هیچ کس نمی تواند این حقیقت را منکر شود. ما از سال ها پیش تشخیص می دادیم که آمریکا دشمن اصلی و خطرناک ملت ایران است و به همین جهت هم ما را می کوبیدند. همین ملیون، همین آقایان لیبرال های امروز و ملیون دیروز، در درجه اول از آن جهت بزرگترین دشمنی را در حق ما می کردند، که ما آمریکا را دشمن خلق های ایران می دانستیم و این آقایان آمریکا را دوست و منجی ایران تشخیص می دادند. آنها در موضع خود مانده اند و ما هم همین طور. آنها می کوشند بعد از این همه جنایت که آمریکا در حق ملت ایران مرتکب شده است، باز هم راه را برای تجدید تسلط آمریکا بر ایران هموار کنند و ما هم با شام جان خودمان ایستاده ایم که این راه را سد کنیم و حاضریم تا آخرین نفر کشته شویم، ولی نگذاریم آمریکا دومرتبه به ایران برگردد. این جزو اصول است، برای این که ما امپریالیسم را دشمن شماره یک بشریت زحمتکش می دانیم. و یکی از علل پشتیبانی ما از خط امام، همین چشم بیدار امام و همین دید تاریخی امام است. امام در پرتو تجارب طولانی مبارزات خود، با نبوغ خاصی به این نتیجه رسیده است که آمریکا دشمن شماره یک خلق ها، خطرناکترین دشمن نه فقط ملت ایران، بلکه تمام بشریت محروم است. امام با قاطعیت تمام بر این موضع استوار است. احترام عمیق ما نسبت به امام ناشی از همین برخورد اصولی ما است. کجا ما از اصول خودمان در مقابل سخت ترین فشارها عقبنشینی کرده ایم؟ برای جلب امام نیرو تن به سازشکاری داده ایم؟ ما این ترتیب این اتهام دوست ما به هیچ وجه وارد نیست.

همین طور است مسئله مربوط به تشخیص دوستان انقلاب ایران. ما از ۴۰ سال پیش، از همان روز که حزب توده ایران تاسیس شد و از ۶۰ سال پیش که حزب هواداران سوسیالیسم علمی، حزب کمونیست ایران تشکیل شد، بر این عقیده بوده و هستیم که ایران در دنیا دوستان و دشمنان مشخصی دارد. دوستان آن عبارتند از زحمتکشان جهان و طبقات محروم و ستمکش جهان و دشمنان ایران عبارتند از طبقات استثمارگر و غارتگر. پشتیبانی ما هم از خط امام برای این است که امام بر پایه معتقدات عمیق خود، تشخیص داده است که دنیا تقسیم می شود به مستکبران، یعنی غارتگران، زورگویان، چپاولگران از یک سو و محرومان و ستمدیدگان و مستضعفان از سوی دیگر و این که مستضعفان همه در یک جبهه علیه استکبار جهانی به طور طبیعی و بالقوه متحد و دوست هستند. ما هم، منتها با معیارهای خودمان، از ۶۰ سال پیش، از ۱۳۰ سال پیش، از همان روز که مارکسیسم به میدان سیاست جهانی گام نهاد، این اصل را مطرح کرده ایم که دنیا تقسیم می شود به استثمارگران و استثمارشدگان. غارتگران و غارت شدگان، ستمگران و ستمکشان و تمام تاریخ جهان، نبرد میان این دو جبهه جهانی است. ما از این اصل هم هیچ وقت عقبنشینی نکرده ایم و معتقدیم که دوستان جنبش انقلابی و خلقی و توده های محرومان کشور ما عبارتند از همه نیروهایی که در دنیا به توده های میلیونی کارگران و دهقانان و تولیدکنندگان کوچک و زحمتکشان تکیه دارند. حالا این نیروها در کشورهای مثل کشورهای سوسیالیستی قدرت را به دست گرفته اند، در کشورهای دیگر قدرت شریک هستند و در جاهای دیگر هم که در قدرت نیستند یا در جنبش های آزادی بخش ملی مبارزه می کنند، یا در جنبش های مترقی کارگری علیه استکبار کشور خودشان: مثل فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و بسیاری از کشورهای دیگر. اینها دوستان انقلاب ما هستند. این یکی از اصول ما است. و ما از این اصل در مقابل هیچ تهدید و فشاری هرگز عدول نخواهیم کرد. ممکن است ما را خفه کنند، دهانمان را ببندند، جلوی روزنامه مان را بگیرند، کتاب هایمان را نگذارند منتشر شود، خودمان را بگیرند، حبس کنند و دار هم بزنند، همان گونه که رژیم آریامیری کرد، همه این کارها را ممکن است بکنند، ولی مطمئن باشند که با این اعمال هرگز نخواهند توانست ما را به عدول از اصول خود وادارند.

خلاصه این که ما در جواب این دوست خودمان می گوئیم، خصوصیت حزب ما این است که هرگز برای جلب سایر نیروها و یا جلب نظر بعضی از مقامات، هیچ گاه حاضر نیست اصول عقیدتی خود را زیر پا بگذارد و در زمینه های اصولی تن به سازشکاری دهد.

ادامه دارد

برقرار

باد اتحاد

همه

نیروهای

ضد

امپریالیستی

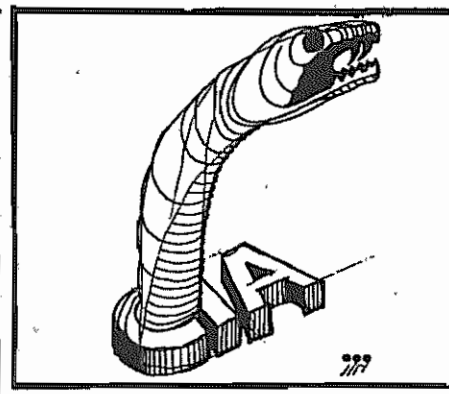
و

دمکراتیک

ایران

در جبهه

متحد خلق



نیکار اگوئه...

بقیه از صفحه ۲

خویش را از بند وابستگی نواستعماری رهایی بخشیده اند.

علاوه بر این، کشورهای دیگری هم هستند که با مداخله امپریالیسم در امور داخلی کشور های آمریکای لاتین مخالفت می ورزند. در این زمینه، می توان از موضع گیری چندین کشور آمریکای لاتین، از جمله مکزیک، پیش از پیروزی ما، یاد کرد. گام های قاطعانه این کشورها نقشه های مداخله گرانه ایالات متحده آمریکا را در قبال نیکار اگوئه عقیم گذاشت.

برخی از این کشورها امروزه می کوشند تا از حمله نیروهای ایالات متحده آمریکا به السالوادور جلوگیری کنند. ما نیز به نوبه خود هم اکنون اعلام داشته ایم که هرگونه تجاوزی را علیه السالوادور به مثابه دخالت در امور داخلی خویش تلقی می کنیم.

(منبع: مجله مسائل صلح سوسیالیسم)

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

اگر متحد باشیم دشمن نمیتواند علیه ما کاری کند

شاه اردن هرگز با ملت ما خوب نبوده است، او نوکر خان است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی که به ریاست اکبر پرویزی تشکیل شد، یکی از نمایندگان تاکید کرد که ما باید در مقابل دشمنان داخلی و خارجی انقلاب متحد شویم.

کمالی سومین سخنران پیش از دستور در مورد فعالیت و همکاری دشمنان خارجی و داخلی انقلاب صحبت کرد و از جمله اظهار داشت: اکنون صدام حسین مزدور که فکر می کرد تهران را چند روزه می گیرد مایوس شده است.

اطلاعیه سپاه...

بقیه از صفحه ۹

سیستان و بلوچستان اطلاعیه ای منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است:

و شما شنیده و ماهم شنیده ایم که بعضی شیخ نشینهای خلیج و بعضی دولتهای کشورهای اسلامی در جنگ بین اسلام و کفر طرف کفر را اختیار و کجکپی نظامی و تبلیغاتی از دولت غصب یث و جنایتکار می کنند...

امام خمینی ... بر اساس اطلاعات رسیده عده ای از برادران انجمن اسلامی دانشجویان در هندوستان به همراه

هن پز شک پاکستانی و مقدار زیادی دارو و لوازم پزشکی عازم ایران بود، تا به جبهه های جنگ رهسپار شده و در این نبرد سهمی ایفا کرده باشند امنا پلیسهای مزدور سازمان جاسوسی پاکستان (سی - آی - دی) در تفتان، پز شکان پاکستانی را دستگیر و با ضرب و شتم فراوان به زندان پاکستان بردند.

آیا جز این است که حکومت آمریکایی ضیاعا باطل بطور غیر مستقیم بدستور ارباب جنایتکارش کارتی به یاری صدام شتفته است؟

آیا این مسئله ماهیت رژیم پاکستان و رژیمهای شبیه او را نشان نمیدهد؟

در دفاع...

بقیه از صفحه ۹

که اگر این کار با چشم باز انجام گیرد. این دیگر واقعیتی است و همه آشکارا می بینند که امروز همه مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - از بقایای طبقات غارتگر طاغوتی گرفته تا عمال مکتوم و نیمه مکشوف آمریکا، از ساواکیهای نقابدار گرفته تا مافوقیستهای قروتسکیستهای آفارشیتها و اناوای تریچه های بولک، از کسانی که میخواهند قصاص پدر تاجداران و عمال معدوم وی را از حکومت انقلاب بگیرند، تا وازدگان و برکنار شدگان ضدانقلاب آری، همه دشمنان و مخالفان رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، لیبرالها را به پرچم مبارزه علیه تداوم و تعمیق انقلاب و به وسیله پوشش و استتار اعمال ضدانقلابی خود مبدل کرده اند.

آنچه تاریخ و انقلاب در انتظارش بوده و هست، اینست که: در این مرحله بسیار حساس و پر مسئولیت، که تشخیص راه درست موجب افتخار ابدی و افتادن در پرتگاه اشتباه و یا خیانت، سبب محکومیت تاریخی خواهد شد، همه نیروها و کسانی که نشانی از خلق دارند و نامی از انقلاب و مبارزه در راه توده های محروم بر خود نهاده اند، در سنگر انقلاب برای دفاع از انقلاب قرار گیرند.

کرده و بسته است جز حزب کمونیست را! ناطق سپس گفت: در زمان طاغوت در نوشهر ما، محمدرضا کاخی برای شاه اردن ساخته بود و او تعطیلاتش را در آنجا می گذراند.

ناطق افزود: ما در مقابل فعالیت ضد انقلاب باید متحد شویم. اگر مجلس ما مجلسی قوی و دولت ما دولتی قوی و ملت ما ملتی متحد باشد آنها بیچوجه نمی توانند علیه ما کاری کنند.

در اینجا رئیس مجلس توضیح داد: حسین اردنی هرگز با ملت ما خوب نبوده است او نوکر خاگ است، چیزی که برای اینها مطرح است خوردن و لولیدن... است، والا انسان و انسانیت و مبارزه و کرامت برای اینها که همه چیزشان بسته به خان است، مفهومی ندارد.

سیس مجلس وارد دستور شد و ماده دوم طرح قانونی اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این ماده اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای سه گانه برای اداره رادیو تلویزیون دارد.

لباس اسلام، حکومت نظامی - ضیاع را حکومت اسلامی می خوانند و یا رژیم خونخوار و سرسپرده شیوخ سعودی را پیرو قرآن می نامند، از این جریانات باخبر نیستند؟

واقعیت آن است که این مرتجعین از ترس جمهوری اسلامی در دامان آمریکا و ارباب جنایتکارش اقدام از ترس حق به باطل پناه برده اند.

حکومت نظامی پاکستان از طرفی جلوی ورود انسان دوستانی را که برای کمک به برادران و خواهران خود عازم ایران میشوند، میگیرند و از طرف دیگر بر اساس ماهیت منافقانه اش، به ایران آمده و تقاضای صلح و آتش بسی کرده و بعد سراغ صدام و سپس بسوی اربابش کارتر روانه میشود تا خوش رقصی خود را اثبات نماید...

در حالی که انقلاب ایران برهبری امام خمینی، در معرض کینه ددمنشانه بقایای طبقات طاغوتی و نمایندگان داخلی و حامیان خارجی آنها قرار گرفته و لیبرالیسم به پرچم این کینه ضدانقلابی مبدل گشته است، حق اینست که هر کس که مدافع انقلاب است، در جبهه دفاع از انقلاب قرار گیرد.

بی آنکه از گروهی و یا کسی نام ببریم، لازم میدانیم هشدار دهیم که خطر گمراه شدن بخشی از نیروهای انقلابی بسوی جبهه لیبرالها وجود دارد. قسمت اعظم و شکننده نیروهای انقلابی در صف مدافعان انقلاب برهبری امام خمینی اتحاد خود را هر چه مستحکمتر میسازند و همین نیرو است که، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، به در مسأله داخلی و چه خارجی، کشور انقلابی ما را به موفقیتها و پیروزیهای قابل تحسین رسانده است.

برای این کار دلایل گوناگونی ارائه میشود و در مرکز همه آن دلایل، شکایت از فقدان آزادی و نگرانی از نقض قانون و گلاویه از قسریت و انحصارطلبی قرار دارد.

جنگ ایران و...

بقیه از صفحه ۱

دیگر جنگ دولت عراق علیه ملت خودش است.

آیتاله دکتر بهشتی سپس به این پرسش پاسخ داد که: «بنا توجه به شکست امپریالیسم آمریکا در بره انداختن جنگ تحلیلی رژیم صدام حسین علیه ایران، و اینکه امپریالیسم آمریکا بازم به توطئه های دیگر برای از پای در آوردن انقلاب دست خواهد زد، چه اقدامات موثری باید برای مقابله با این توطئه در عرصه های داخلی و خارجی به مورد اجرا گذاشت.»

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضایی ما همواره می کوشیم که نظام قضایی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتمان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سب پاشیها، شایعه ها، دروغ پردازیها

خوش بود گر محک تجربه آید بعین تا سیه روی شود هر که در او غش باشد این تجربیات از طرفی ماهیت پلید حکومتهای مرتجع منطقه مانند پاکستان و عربستان و اردن... ثابت کرده و از طرف دیگر چهره کثیف مرتجعین وابسته داخلی را می نمایاند که بدروغ می خواهند حکومتهای فوق را اسلامی قلمداد کنند ولی مردم مسلمان و مبارز ایران با رهس انقلاب بیعانی چندباره بسته اند تا در برابن صدام مزدور و هر کسی و هر حکومتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از این دیوانه دفاع کند، قاطعانه مقومت کنند تا پایه های لرزان حکومت این مزدوران را ویران کرده و به زبانه دان تاریخ روانه شان سازند.»

په پیچوجه مدعی این نیستیم که شکایتها و نگرانیها و گلایه های آنها بی اساس است. در ایران انقلابی ما، که پس از هزاران سال اسارت و یک بحران مرگ، بتازگی گام در راه استقلال و آزادی و ترقی و برابری نهاده است و تا دوران مدیدی با عواقب مادی و معنوی آن اسارت قرون و اعصار و پدیده های اجتناب پذیر دوران گذار به توسازی انقلابی جامعه روبرو خواهد بود، بروز کمبودها و نارسائیها و اشتباهات و ندادن کاربها - گرچه مقبول و مطبوع نیست ولی غیر طبیعی نیست.

سؤال اینست که پس چه باید کرد؟ آیا بدلیل اینکه در جبهه نیروهای انقلاب و حکومت انقلاب اینجا و یا آنجا قنون نقض میشود و یا آزادی محدود میگردد و یا کمبود و نرسائی و اشتباه و ندادن کاری دیده میشود و یا افراد قمری و انحصارطلب وجود دارند، باید از جبهه انقلاب برید و موجودی خود را روی موجودی ضدانقلاب ریخت و یا در میان انقلاب و ضدانقلاب حالت تردید و نوسان بخود گرفت و عملا از حین انتفاع جبهه انقلاب خارج شد؟ آیا رواست که یک گروه و یا سازمان و یا شخصیت انقلابی، سالیان متعادی در راه پیروزی انقلاب مبارزه کرده، قربانیها داده و رنجها کشیده، امروز بعنوان اعتراض به این پدیده های ناسالم و منفی، عملا به مخالفان انقلاب و حتی دشمنان انقلاب بپیوندد و یا بطور غیر مستقیم آب به آسیاب آنان بریزد؟

باید در انقلاب، عمده را از غیر عمده تشخیص داد و در سنگر دفاع از آنچه عمده و اصلی و تعیین کننده است، ایستاد. باید برای از بین بردن پدیده های ناسالم و فرعی مبارزه کرد، ولی افتادن در دام مسائل فرعی، غیر عمده و تابع و فراموش

و خبررسانی های دشمن مصونیت پیدا کند

وی خاطر نشان ساخت: در سطح مدیریت کشور، هماهنگی و انسجام باید روز بروز بیشتر شود. خوشبختانه زمینه چنین اقداماتی فراهم است.

وی آنگاه در توضیح زمینه های فوق گفت: از آنجا که اکثریت نمایندگان در قوه مقننه، دولت، هیئت دولت، نخست وزیر و وزرا، قوه قضائیه، اینها همه مومن به همین خط اصول انقلاب هستند، باید به ملت بگوییم که در میان این نهادها هیچگونه اختلاف ناراحت کننده ای وجود ندارد.

دکتر بهشتی در مورد سیاست خارجی گفت:

در زمینه سیاست خارجی باید فالتی از این باشیم. چون وزارت خارجه مسئول ندارد و برنامه کاملی را نمی تواند دنبال کند، راه حل های دیگری وجود دارد. برای این کار از جمله می بینیم که همچنین برنامه های درازمدت را هر چه سریعتر آغاز کنیم. الان دولت دولتی است متکی به مجلس، دیگر دولت موقت نیست. این دولت باید با استفاده از کارشناسان و مطلقان دلسوز چه در سطح وزارتخانه ها چه در میان خود مردم، برنامه های درازمدت اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی را مشخص کند و کارها روی جریان اصل و دامنه دار قرار گیرد. فکر می کنم این مهمترین قدم باشد.

آیتاله دکتر بهشتی در مورد علت سفر هیئتی از نمایندگان ایران به کشورهای منطقه گفت: طبیعی است که مناسبات میان این کشورها با انقلابیون ایران و علاقه ای که آنها به پیروزی انقلاب ایران از خودشان نشان می دهند، خود بخود زمینه یک چنین تصمیمی بوده است ولی افزایش رفت و آمدهای سازنده میان این دوستان، بی شک به قوت این زمینه ها کمک می کند و چنین نتیجه هایی را هم دنبال دارد.

کردن اصل عمده تعیین کننده، نه سزاوار آدم انقلابی است و نه با مدعای مبارز بودن مطابقت دارد. در اینجا نیز آنچه عمده است، دفع از انقلاب است و هر موضع و عملی غیر از این، به مسئله عمده زیان میرساند.

آزادی نعمت بزرگ و بیمانندی است. ولی انواع طبقه ای دارد. آن آزادی مقبول است که به استقلال مبین و به آزادی زحمتکش از استثمار و استثمار خدمت کند. حال اگر کسی، علیرغم نیات صادقانه اش، در کرد و خاکی که لیبرالها برای انداخته اند - خواسته یا ناخواسته - مسحور شعار «آزادی» مطلوب لیبرالها شود، در راه خواست آزادی برای مخالفان استقلال و آزادی واقعی، یعنی طرفداران بازگشت به اسارت امپریالیسم، بازگشت به سلطه سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، بازگشت به رژیم ترور و اختناق ناشی از سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی گام نهاده است.

باید برای آزادیهای فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تمام نیرو مبارزه کرد، باید با نقض امنیت قضایی و قانونیت با تمام قوا مقابله کرد؛ ولی در این مبارزه، لحظه ای نباید در کنار لیبرالها قرار گرفت، زیرا اگر شعار «ایوای آزادی» لیبرالها، یعنی مدافعان سرمایه داری در داخل و سازش با امپریالیسم در خارج، پیروز شود، از استقلال و آزادی برای خلق محروم و ستمدیده و نیروهای انقلابی اثری نخواهد ماند و انقلاب نابود خواهد شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ضد انقلاب زمینہ توطنہ وسیعی رادر سیستان و بلوچستان آمادہ می کند

*** ردیای شاپور بختیار در سیستان و بلوچستان دیدہ شد.**
*** خانہا، ساواکیہا، ماتوئیستہا و سران جمعیتہای افغانی با کمک سازمان امنیت پاکستان فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان بہ نحو بیسابقہای گسترش دادہ اند.**

اشرار درآمدہ اند، ارتباط دارند... ما انتظار ہمہ گونه ضربہ خوردن از اینہا را داریم
آخرین اخبار رسیدہ صحت نظریات استاندار و فرماندہ سپاہ پاسداران را تأیید می کند و خبر از گسترش فعالیت امپریالیسم و ایادی داخلی اش می کند. در مہرمہ گذشتہ یک پلیس عربستان سعودی بنام عبدالعزیز مدو، فرزند رضا کہ با لباس بلوچی از مرز پاکستان با کمک سازمان امنیت پاکستان برای جاسوسی بہ سیستان آمدہ بود دستگیر شد.

اخبار رسیدہ همچنین حاکی است کہ ضدانقلاب با استفادہ از سنہ، بودن اکثریت مردم سیستان و بلوچستان بہ تبلیغات گسترده، دست زدہ تا با برآہ انداختن اختلاف بین شیعیان و مردم سنی استان و تبلیغ این دروغ کہ در جمہوری اسلامی ایران ہیچ حتی برای مردم سنی قائل نیستند آتش جنگ سنی و شیعی را برافروزد. عامل اصلی این تبلیغات خانہا، ساواکیہا و بویژہ روحانی نمایان ساواکی ہستند کہ متاسفانہ هنوز افسانہ تشدہ اند. از جملہ کسانی کہ شہیدیا در این زمینہ فعالیت دارد «خسرو ریگی» یکی از خانہا استان است. کہ بعلت عضویت در ساواک اعتبارنامہ او در مجلس رد شد. زمینہ دیگری کہ با استفادہ از آن تحریکات وسیعی انجام میگیرد مسئلہ ملی است. امپریالیسم وظیفہ تبلیغات با استفادہ از

ضدانقلاب فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان گسترش دادہ و تلاش وسیعی از جانب محافل وابستہ بہ امپریالیسم با کمک ہمسایگان مرتجع برای بہ آشوب کشیدن این استان انجام میشود.
بر اساس اخبار رسیدہ از سیستان و بلوچستان، خانہا، فئودالہا، ساواکیہا و سران جمعیتہای افغانی با کمک جاسوسان عربستان سعودی و سازمان امنیت و جاسوسی پاکستان (سی-آی-دی) دامنہ فعالیت خود را گسترش دادہ اند.

استاندار سیستان و بلوچستان پس از ملاقات با امام خمینی گفت: «امتنان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کردہ تا برنامہای در این منطقہ اجرا کند» (جمہوری اسلامی - ۴ آذر). آقای محمدی همچنین گفت: «آن چیزی کہ در بلوچستان تا اندازہای مسئلہای بنام عدم امنیت بوجود آورده وجود اشرار و ضدانقلابیون است» (ہمانجا)

استاندار سیستان و بلوچستان همچنین در مصاحبہای با تلویزیون استان در تاریخ ۱۸ و ۱۹ آذر ۱۳۵۹ بعد از شہادت ۱۱ پرسنل ژاندارمری توسط اشرار گفت:

«دشمن ما اینقدر ضعیف و زبون است کہ ہیچوقت از روبرو با ما مواجہ نمی شود و عملیاتش بصورت شرارت، بستن چادہ، کشتن برادران پاسدار یا ژاندارمری و یا راندگان تانکر و کامیون صورت میگیرد»

استاندار افزود: «ما این را یک مسئلہ کوچکی تلقی نمی کنیم. من مطمئن ہستم و یقینا با اطلاعاتی کہ در اختیار دارم می دانم این یک جزئی از برنامہ کلی ضدانقلاب خارجی و داخلی است و مخصوصا در این شرایط کہ سعی می کنند سر ما را در جای دیگری ہم گرم نگہ دارند، در این بین کہ دولت یعنی جنایتکار عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و بر روی مردم بی دفاع و بی گناہ بمب می ریزد، اینجا ہم ایادی آنها، ایادی امپریالیسم، آن کسانی کہ منافقان در منطقہ پختر افتادہ و بخصوص برای اطلاع شما عرض بکنم کہ ما رد پای بختیار را ہم در این طرف دیدیم.»

در همین مصاحبہ فرماندہ سپاہ پاسداران سیستان و بلوچستان گفت: «کسانی کہ از انقلاب ضربہ خوردہ اند، فئودالہای بزرگ این منطقہ، خانہا، سرمایہ دارہا کہ در ارتباط با خارج ہستند و بصورت

مسئلہ ملی را بہ ماتوئیستہا و در راس آنها «بیکار» سپردہ است. همانطور کہ در چند شمارہ پیش نامہ «مردم» افشا کردیم، ماتوئیستہا کہ اخیرا چندتن از کادہای رہبری خود را ہم بہ سیستان و بلوچستان بردہ اند بہ نحو بیسابقہای برای سرنگونی رژیم جمہوری اسلامی بہ تبلیغ پرداختہ اند. آنها با پخش ہزاران پوستر و عکس از وقایع کردستان چنین تبلیغ می کنند کہ جمہوری اسلامی ایران بعد از کشتار خلق سنی کردستان بہ سراغ خلق سنی سیستان و بلوچستان خواهد آمد! آنها جمہوری اسلامی ایران را عامل امپریالیسم می خوانند. از مردم میخواہند برای سرنگونی آن مسلح شوند. در این زمینہ «رزمندگان»، «اقلیت چریکپہا»، «توفان»، «رنجبران»، «چریکپہا» اشرف دہقان» و دیگر تریچہہای پوک آمریکائی با «بیکار» همکاری فعال دارند. در جوار این تبلیغات وظیفہ عمدہای ہم بہ رہبران آمریکائی جمعیتہای افغانی سپردہ شدہ است. در راس این جمعیتہا «برہان» الدین ربانی، زہر «جمعیت اسلامی افغانستان» بہ فعالیت مشغول است. باوجود اینکہ تابستان گذشتہ دادستان انقلاب مشهد رسماً این جمعیت را بعلت جاسوسی بہ سود آمریکا منحل اعلام کرد، دفاتر آن را بست و «برہان الدین ربانی» را تحت تعقیب قرار داد؛ این فئودال جاسوس آمریکائی آزادانہ بہ فعالیت خود ادامہ میدہد. او مرکز فعالیت خود را بہ زاهدان منتقل کردہ و با ہماہنگی دیگر سازمانہای افغانی کہ ہمگی در زاهدان دفاتر علنی و غیرعلنی دارند آزادانہ بہ پاکستان و همچنین نقاط مختلف ایران رفت و آمد می کند. برہان الدین ربانی کہ از طرف دادستان انقلاب استان خراسان تحت تعقیب است، در استان مجاور آن، یعنی سیستان و بلوچستان آزادانہ مسخرانی می کند. او از جملہ روز ۱۹ مہرمہ گذشتہ بعد از بازگشت از تبران در مسجد جامع زاهدان مسخرانی کرد. بر اساس اخبار رسیدہ برہان الدین ربانی زیر پوشش «اسلام» جاسوسان پاکستانی را بہ نقاط مختلف کشور می برد.

ما بار دیگر، ضمن افشای فعالیت گسترده ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، بہ مسئولان کشور هشدار می دہیم: امپریالیسم آمریکا زمینہ توطئہ وسیعی را در سیستان و بلوچستان تدارک دیدہ است. باید با تمام نیرو آمادہ بود و این توطئہ را خنثی کرد.

برای ایجاد آشوب و بی ثباتی در ہند: برتری طلبان چین شورشیان ہندی را مسلح می کنند و آموزش نظامی می دہند

روزنامہ «پاتریوت» چاپ دہلی نو، ضمن انتشار گزارش مشروحی درباره کمک چین بہ «تجزیہ طلبان» در شمال شرقی ہند نوشت: «اخیرا پانصدتن از اعضاء یک سازمان زیرزمینی، کہ برای ایجاد یک «کشور مستقل» در ایالت ماگالند تلاش می کنند، برای آموزش نظامی بہ چین رفته اند.»
روزنامہ پاتریوت می افزاید:
«دلایل و شواہد غیر قابل انکاری نشان می دہد کہ اخیرا گروہہای تجزیہ طلب مقادیر زیادی سلاح از چین دریافت کردہ اند و در ایالتہای مرزی ہند و چین، از جملہ در تبت، تجزیہ طلبان ہندی آموزش می بینند. این افراد وظیفہ دارند کہ بہ آشوب و بی ثباتی در ایالتہای شمال شرقی کشور دامن بزنند.»
پاتریوت همچنین گزارش داد:
«پاکستان و چین همچنین حضور نظامی خود را در مرزہای ہند افزایش می دہند و چین موشکہای تا برد ۱۵۰۰ مایل در مرز ہند مستقر کردہ است.»

توصیہ سفارت آمریکا بہ رسانہہای گروہی پاکستان: دربارہ «مبارزان افغانی» تا می توانید داستان سرائی کنید!

گزارشہای رسیدہ از پاکستان نشان میدہد کہ ہمزمان با مخالفت روزافزون مردم نواحی مرزی این کشور با ادامہ فعالیتہای پایکاہای نظامی مزدوران افغانی در خاک پاکستان، رژیم دست نشانده ضیاعالحق، بعد از «مشورت» با سفارت آمریکا، بخشنامہای بہ رسانہہای گروہی کشور، کہ ہمگی تحت کنترل شدید چکمہ پوشان رژیم قرار دارند، صادر کردہ و در آن «توصیہ» کردہ است کہ ہرچہ بیشتر دربارہ باصطلاح فتوحات «مبارزان افغانی» سر و صدا برآہ اندازند. چند روزنامہ زاپنی ضمن انتشار این گزارش یادآور شدہ اند کہ بویژہ داستانہایی دربارہ قتل عام در افغانستان می باید منتشر شود.

سفارت آمریکا در پاکستان در پی دیدار اخیر چند عضو کنگرہ آمریکا از اسلام آباد، نقش مهمتری در ہدایت رسانہہای گروہی پاکستان، بویژہ در جریانات مربوط بہ افغانستان، بعہدہ گرفتہ است.

از جانب رہبران موزامبیک و شوروی ضرورت گسترش روند تشنج زدائی در تمام چہان مورد تأکید قرار گرفت

در پایان دیدار رسمی سامورا ماشل رہبر موزامبیک از اتحاد شوروی، اعلامیہ مشترکی انتشار یافت. در این اعلامیہ دو کشور بہ ضرورت گسترش روند تشنج زدائی در تمام چہان، از جملہ آفریقا اشارہ کردہ اند. دو کشور یادآور شدند کہ مصمم اند برای تبدیل آفریقا بہ منطقہ عاری از سلاحہای ہستہای مبارزہ کنند. اتحاد شوروی و موزامبیک از تمام کشورہای حوزہ اقیانوس ہند برای تبدیل این منطقہ بہ منطقہ صلح و امنیت حمایت کردند.

تلاش کشورہای سوسیالیستی برای نتیجہ بخش کردن کنفرانس ہمکاری و امنیت اروپا

ہیئتہای نمایندگی کشورہای سوسیالیستی در کنفرانس ہمکاری و امنیت اروپا در مادرید، بہ تلاشہای گستردهای دست زدہ اند، تا این کنفرانس امیدہای مردم چہان را برآورده سازد. کشورہای سوسیالیستی خواستار بحثہای سازندہ دربارہ مہمترین مشکلات زمان حاضر و بالاتر از ہمہ دربارہ مسائلی چون امنیت و ہمکاری اروپا، خلع سلاح و تحکیم تشنج زدائی ہستند. این کشورہا دربارہ خطر تبدیل کنفرانس مادرید بہ محل مقابله سیاسی ہشدار می دہند.
ماریان دوپولسکی، نمایندہ لهستان، گفت:
«اروپا خانہ ما است کہ در آن، چہ بخواہیم و چہ نخواہیم، در کنار یکدیگر زندگی می کنیم. بنابراین لازم است اساسی شالودہ این خانہ، از طریق سیاسی تحکیم شود و روند تشنج زدائی تقویت گردد.»

افزایش تورم و بیکاری در کشورہای بازار مشترک اروپا

ادارہ آمار بازار مشترک اعلام کرد کہ در ظرف یکسال، شمار بیکاران در کشورہای عضو بازار مشترک اروپا ۲۰٪ افزایش یافته است. اکنون بطور رسمی ہفت میلیون و چہارصد ہزار نفر بیکار در کشورہای این بازار وجود دارد. اما گفته می شود کہ شمار غیررسمی بیکاران بسیار بیشتر از این رقم است. اوضاع بویژہ در انگلستان و دانمارک وخیم است. بیکاری بویژہ در میان جوانان ابعاد فاجعہ آمیزی بخود گرفتہ است.
از سوی دیگر، نرخ تورم در کشورہای بازار مشترک همچنان رو بہ افزایش است.

رویدادہای جهانی

بیانہ کنگرہ عمومی خلق عرب: قرارداد دوستی اتحاد شوروی و سوریه مرحلہ کیفی جدیدی در گسترش روابط جنبش آزادی بخش عرب در کشورہای سوسیالیستی است

دبیرخانہ کنگرہ عمومی خلق عرب، در بیانہای کہ در پایتخت لیبی، طرابلس، انتشار یافت، معادہ دوستی و ہمکاری اتحاد شوروی و جمہوری عربی سوریه را قویا مورد تأیید و استقبال قرار داد. در بیانہ ازجملہ گفته می شود:
«معادہ دو کشور تحکیم وحدت نیروہای ترقیخواہ عرب را در مبارزہ علیہ توطئہہای امپریالیسم، صیونیسم و ارتجاع و برای صلح، آزادی و استقلال اعراب، ارتقاء می دہد.»
در قسمت دیگر این بیانہ خاطر نشان شدہ است:

یک روزنامہ آمریکایی گزارش داد: روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخلہ خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامہ دارد

شاہ محمد دوست، وزیر خارچہ افغانستان، بار دیگر از کشورہای ہمسایہ خواست تا گفت و شنود را با افغانستان پیرامون عادی شدن روابط آغاز کنند. وی گفت:
«مذاکرات دوجانبہ تنها راه حل مسائلی است کہ در اطراف افغانستان بوجود آمدہ است.»
شاہ محمد دوست افزود:
«پایان مداخلہ در امور داخلی افغانستان شرایط لازم را برای خروج نیروہای شوروی از خاک کشور فراهم می کند. افغانستان قطعانہ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را، کہ زیر فشار آمریکا و یکن بہ تصویب رسیدہ، رد می کند، زیرا در این قطعانہ اوضاع افغانستان تحریف شدہ است و این رای بہ منزله مداخلہ در امور داخلی کشور است.»
از سوی دیگر، سردبیر نشریہ آمریکائی «ورلد پوپر» اعلام کرد:
«روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخلہ خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامہ دارد. دولت افغانستان برنامہہای گستردهای را برای بہبود زندگی مردم آغاز کردہ است.»
این روزنامہ نگار آمریکایی می نویسد:
«مردم افغانستان برای کمک اتحاد شوروی ارزش فراوان قائلند و تبلیغات رسانہہای گروہی امپریالیستی در مورد افغانستان بر اساس است.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارندہ امتیاز و مدیر مسئول: منوچہر بہزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دقتر نامہ «مردم» ہتون در اختیار نامہ «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 380
27 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامہ «مردم» و ہمہ مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند بہ آدرسی زیر با نامہ «مردم» مکاتبہ کنند:
صندوق پستی ۶۱/۳۵۵۱
۱۴ پستی تہران